

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران و بهسازی شهری ایران
(مادر تخصصی)

گزارش کارگاه آموزشی در شهر اهواز با محوریت

“ارائه و تشریح نقش ظرفیت سازی در فرآیند بازآفرینی شهری”



مهندسین مشاور شهراندیش آمایش

اردیبهشت ۱۳۹۶

– تقدیر و تشکر از همکاران و دست اندرکاران نشست

در برگزاری این کارگاه ارگان‌های زیر به صورت‌های گوناگون مشارکت و همکاری داشته‌اند که بدین وسیله از یکایک آنها تشکر و قدردانی می‌شود.

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران
دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی



اداره عمران و بهسازی شهری
اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان



شرکت مهندسی مشاور شهراندیش آمایش





فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	فصل اول: معرفی کارگاه آموزشی
۳	۱- معرفی کارگاه آموزشی "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"
۳	۱-۱- مخاطبان (سازمان‌ها و ادارات شرکت‌کننده در کارگاه)
۴	۱-۲- نحوه معرفی دوره آموزشی
۷	فصل دوم: کارگاه "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"
۸	۲- کارگاه "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"
۸	۱-۲- منظور از ظرفیت‌سازی چیست؟
۱۱	۲-۲- ظرفیت‌سازی در جامعه محلی
۱۴	۳-۲- اهداف بخش ظرفیت‌سازی
۱۵	۴-۲- فرآیند ظرفیت‌سازی
۱۵	۵-۲- ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش در سطح ستادهای شهرستانی و استانی و در سطح جامعه محلی
۱۷	۶-۲- فعالیت‌های اجرایی و عملی
۱۸	۷-۲- بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق/ ناموفق
۱۸	۸-۲- ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقاء سرمایه‌ها
۱۸	۹-۲- مدل کلی طراحی، مطالعه و پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی
۱۹	۱۰-۲- فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین/ پایدار
۲۰	۱۱-۲- اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی
۲۱	۱۲-۲- تعاریف و مفاهیم کلیدی برنامه‌ریزی و مشارکت
۲۲	۱۳-۲- راهبرد توسعه شهر
۲۲	۱۴-۲- تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم
۲۳	۱۵-۲- اصول راهبرد توسعه شهر
۲۳	۱۶-۲- شاخص‌های اصول راهبرد شهر
۲۴	۱۷-۲- فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر
۲۵	۱۸-۲- نظریه‌های مشارکتی
۲۷	۱۹-۲- طبقه‌بندی سطوح مشارکت
۲۸	۲۰-۲- مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم
۲۸	۲۱-۲- الگوهای سازمانی مشارکت
۲۹	۲۲-۲- بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت
۳۰	۲۳-۲- راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت
۴۵	۲۴-۲- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی
۴۶	۲۵-۲- نظرات شرکت‌کنندگان در همایش
۴۷	۲۶-۲- تصاویر همایش





فهرست جداول

جدول شماره ۱-۲- منظور از ظرفیت‌سازی.....	۱۱
جدول شماره ۲-۲- منظور از ظرفیت‌سازی در جامعه محلی.....	۱۲
جدول شماره ۳-۲- ایجاد ساختارهای محلی و معیشت‌های جایگزین/ پایدار.....	۱۳
جدول شماره ۴-۲- اهداف بخش ظرفیت‌سازی.....	۱۴
جدول شماره ۵-۲- فرآیند ظرفیت‌سازی.....	۱۵
جدول شماره ۶-۲- ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش.....	۱۵
جدول شماره ۷-۲- فعالیت‌های اجرایی و عملی.....	۱۷
جدول شماره ۸-۲- بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق/ ناموفق.....	۱۸
جدول شماره ۹-۲- فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین/ پایدار.....	۱۹
جدول شماره ۱۰-۲- اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی.....	۲۰
جدول شماره ۱۱-۲- تعاریف و مفاهیم کلیدی از مفهوم مشارکت و برنامه ریزی شهری.....	۲۱ و ۲۲
جدول شماره ۱۲-۲- فرآیند راهبرد توسعه شهر.....	۲۲
جدول شماره ۱۳-۲- تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم.....	۲۲
جدول شماره ۱۴-۲- اصول راهبرد توسعه شهر.....	۲۳
جدول شماره ۱۵-۲- شاخص‌های اصول راهبرد شهر.....	۲۳ و ۲۴
جدول شماره ۱۶-۲- فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر.....	۲۴
جدول شماره ۱۷-۲- نظریه‌های مشارکتی.....	۲۵ و ۲۶
جدول شماره ۱۸-۲- طبقه‌بندی سطوح مشارکت.....	۲۷
جدول شماره ۱۹-۲- گستره پنج سطحی.....	۲۷
جدول شماره ۲۰-۲- مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم.....	۲۸
جدول شماره ۲۱-۲- الگوهای سازمانی مشارکت.....	۲۸ و ۲۹
جدول شماره ۲۲-۲- بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت.....	۲۹
جدول شماره ۲۳-۲- راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت.....	۳۰

فهرست نمودارها

نمودار شماره ۱-۲- نمودار ظرفیت‌سازی.....	۱۱
نمودار شماره ۲-۲- نمودار ساختارهای محلی.....	۱۲
نمودار شماره ۳-۲- ویژگی آموزش‌ها.....	۱۴
نمودار شماره ۴-۲- مدل کلی طراحی، مطالعه و پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی.....	۱۸
نمودار شماره ۵-۲- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی.....	۴۵ و ۴۶





فهرست تصاویر

۴.....	تصویر شماره ۱-۱- بنر و پوستر همایش.....
۵.....	تصویر شماره ۲-۱- دعوتنامه.....
۶.....	تصویر شماره ۳-۱- بروشور نشست.....
۱۳.....	تصویر شماره ۱-۲- نمونه‌ای از تصاویر تشکیل کمیته‌های ملی و محلی.....
۱۳.....	تصویر شماره ۲-۲- تصویر نمونه‌ای از پروژه‌های محرک توسعه- راه اندازی حمام خورشیدی.....
۱۴.....	تصویر شماره ۳-۲- تصویر نمونه‌ای از همکاری مردم برای ظرفیت سازی در جوامع محلی.....
۱۶.....	تصویر شماره ۴-۲- تصویر راه اندازی دفتر توسعه محلی.....
۱۶.....	تصویر شماره ۵-۲- نمونه‌ای از راه اندازی معیشت- تولید و بسته بندی گیاهان دارویی توسط زنان.....
۱۶.....	تصویر شماره ۶-۲- تصویر راه اندازی کارگاه نیمه صنعتی تولید عرقیات گیاهی در استان تهران.....
۱۷.....	تصویر شماره ۷-۲- راه اندازی مرکز اشتغال زنان در استان تهران.....
۱۷.....	تصویر شماره ۸-۲- تصویر اقدامات انجام شده در راستای آموزش مدارس در شهرستان گرمسار.....
۴۴.....	تصویر شماره ۹-۲- تصویر مفهومی از فرآیند مشارکت و ظرفیت سازی.....
۴۷.....	تصویر شماره ۱۰-۲- تصاویر همایش (۱).....
۴۸.....	تصویر شماره ۱۱-۲- تصاویر همایش (۲).....
۴۹.....	تصویر شماره ۱۲-۲- تصاویر همایش (۳).....
۵۰.....	تصویر شماره ۱۳-۲- تصاویر همایش (۴).....
۵۱.....	تصویر شماره ۱۴-۲- تصاویر همایش (۵).....
۵۲.....	تصویر شماره ۱۵-۲- تصاویر همایش (۶).....
۵۳.....	تصویر شماره ۱۶-۲- تصاویر همایش (۷).....



مقدمه

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، شهرداری، اداره کل راه و شهرسازی و سازمان‌های نوسازی و بهسازی شهری از جمله مهمترین سازمان‌های فعال در سطح شهرها بوده که در کنار مراکز آموزش عالی به شکل مستقیم در تحقق اهداف نوسازی و بهسازی شهری ایفای نقش می‌نمایند. این در حالیست که تا کنون شرح وظایف قانونی، اختیارات و به ویژه مجموعه اقدامات انجام شده توسط هر یک از این دستگاه‌های مسئول به شکل مناسبی به گروه‌های هدف منتقل نگردیده و عموماً مشاهده می‌گردد که یک ناهماهنگی در اقدامات و بعضاً اهداف تعریف شده برای هر یک از این دستگاه‌ها وجود داشته که رسیدن به اهداف تدوین شده در چارچوب سند ملی بازآفرینی شهری پایدار را با مشکلات عدیده‌ای مواجه نموده است. فلذا نیاز به ارتقاء سطح آگاهی مدیران و کارشناسان سازمان‌های فوق‌الاشاره در چارچوب شرح وظایف سازمانی جهت تحقق اهداف سند ملی مورد نیاز بوده که در این راستا تلاش گردیده است تا با همکاری شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان، ضمن برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز، نسبت به شناسایی و تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به بالفعل اقدام نمود.

در این راستا این مهندسین مشاور مستند به توافقنامه فی‌مابین با اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان و در امتداد برگزاری دوره‌های آموزشی قبلی، موضوع برگزاری پنج دوره آموزشی شامل

- تاب‌آوری شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری
- ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری
- نحوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی
- ارائه و تشریح سند ملی بازآفرینی شهری
- ارائه تجربیات بهسازی و نوسازی استان

را در دستور کار داشته که مستندات مرتبط با دوره دوم با موضوع " ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری " مختصراً و به شرح پیوست ارائه گردیده است.





فصل اول:

معرفی کارگاه آموزشی





۱- معرفی کارگاه آموزشی "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"

این کارگاه با همکاری واحد دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، اداره عمران و بهسازی شهری اداره کل راه و شهرسازی استان خوزستان و شرکت مهندسی مشاور شهرداری آمایش و با حضور مدیران، کارشناسان امور شهری و صاحب‌نظران استان خوزستان در سالن کنفرانس هتل بوستان سازمان آب و برق خوزستان برگزار گردید.

در ابتدای این جلسه آقای مهندس پیروانه به نمایندگی از طرف شرکت مهندسی مشاور شهرداری آمایش ضمن عرض خیر مقدم به شرکت‌کنندگان و تشکر از واحد دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی شرکت مادر و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان که زمینه برگزاری این دوره‌های آموزشی را فراهم نموده‌اند، به تشریح اهداف مورد نظر از برگزاری این دوره‌ها پرداختند. سپس آقای مهندس پنبه دانه‌پور رئیس اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان ضمن عرض خوشامدگویی به مدعوین با اشاره به ضرورت افزایش مشارکت مردمی و دستگاه مسئول در تحقق اهداف بازآفرینی شهری به‌ویژه در محدوده بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری توجه بیش از پیش مدیران و کارشناسان شهری را در موضوع ظرفیت‌سازی و در ابعاد مختلف آن بویژه در محدوده‌ی سکونتگاه غیررسمی را خواستار شدند.

در ادامه سرکار خانم دکتر مهدیه پورشاد دانشجوی دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ضمن ارائه مفاهیم و مبانی و اصول "ظرفیت‌سازی" در جامعه و بخصوص جوامع محلی، اهدافی را که در بخش ظرفیت‌سازی دنبال می‌شود تشریح نمودند. سپس موضوعات مورد نظر در فرآیند ظرفیت‌سازی از جمله ویژگی آموزش‌ها، ارتقا مهارت‌های فنی و انتقال دانش، اجرای فعالیت‌های اجرایی و عملی، بازدید از تجارب و درس آموخته‌های پروژه‌های موفق و ناموفق، ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقا سرمایه‌ها و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در ادامه ضمن تشکیل کارگاه عملی و تشکیل کارگروه‌های مختلف، مسائلی از جمله برنامه‌ریزی‌های شهری، راهبردهای توسعه شهری و اصول و اقدام و عمل به آن راهبردها، مشارکت، نظریه‌های مشارکتی، سطوح مشارکت، الگوهای سازمانی و نهادی مشارکت، بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت و راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت مطرح گردید.

۱-۱- مخاطبان (سازمان‌ها و ادارات شرکت‌کننده در کارگاه)

سازمان‌ها و ادارات شرکت‌کننده در کارگاه شامل:

- | | |
|---|---|
| ۱- اداره راه و شهرسازی شهرستان اهواز | ۱۰- شهرداری شهرستان ایذه |
| ۲- استانداری استان خوزستان | ۱۱- اداره راه و شهرسازی شهرستان باغملک |
| ۳- معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اهواز | ۱۲- اداره راه و شهرسازی شهرستان سوسنگرد |
| ۴- سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری اهواز | ۱۳- شهرداری شهرستان آبادان |
| ۵- شهرداری شهرستان دزفول | ۱۴- اداره راه و شهرسازی شهرستان بهبهان |
| ۶- اداره راه و شهرسازی شهرستان دزفول | ۱۵- اداره راه و شهرسازی شهرستان شوش |
| ۷- سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری شهرستان دزفول | ۱۶- اداره راه و شهرسازی شهرستان اندیمشک |
| ۸- شهرداری شهرستان شوشتر | ۱۷- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری |
| ۹- فرمانداری شهرستان شوشتر | |





۲-۱- نحوه معرفی دوره آموزش

نحوه اطلاع‌رسانی از طریق نصب بنر و پوستر (تصویر ۱-۱)، ارسال دعوتنامه (تصویر ۲-۱) و بروشور نشست (تصویر ۳-۱) صورت گرفت.

 وزارت راه و ترابری شرکت عمران و بهسازی شهری ایران دانشکده راهبردی و بهسازی شهری استان آذربایجان	 وزارت راه و ترابری شرکت عمران و بهسازی شهری ایران دانشکده راهبردی و بهسازی شهری استان آذربایجان
دوره های آموزشی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری	دوره های آموزشی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری
دوره پنجم: کارگاه ارائه و تشریح نقش ظرفیت سازی در فرآیند بازآفرینی شهری	دوره پنجم: کارگاه ارائه و تشریح نقش ظرفیت سازی در فرآیند بازآفرینی شهری
مدرس: دکتر مهدیه پورشاد	مدرس: دکتر مهدیه پورشاد
محل برگزاری: اهواز، گیت بوستان، هتل بوستان ساعت برگزاری: ۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶	محل برگزاری: اهواز، گیت بوستان، هتل بوستان ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ سه‌شنبه ساعت برگزاری: ۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ وبسایت: www.udrc.ir
 شهرانديجيش آمايش مهندسين مشاور شهرسازي، ساماندهي و توانمندسازي بافتهاي فرسوده شهري و سكونتگاه هاي غير رسمي	 مهندسين مشاور شهرانديجيش آمايش شهرسازي، ساماندهي و توانمندسازي بافتهاي فرسوده شهري و سكونتگاه هاي غير رسمي

تصویر شماره ۱-۱- بنر و پوستر همایش





بسمه تعالی

Shahr Andish Amayesh
CONSULTING

شهراندیش آمایش
مهندسين مشاور شهرسازی و معماری



تاریخ: ۹۵/۱۰/۱۱
شماره: ۵/۳۹۵
پیوست: ندارد

- مدیر کل محترم دفتر فنی استانداری خوزستان
- فرمانداران محترم شهرستان‌های استان
- ریاست محترم شوراهای اسلامی شهرهای استان
- شهرداران محترم شهرهای استان
- مدیران محترم ادارات کل راه و شهرسازی شهرستان‌های استان
- مدیران عامل محترم سازمان‌های نوسازی و بهسازی شهرهای استان
- ریاست محترم سازمان نظام مهندسی استان خوزستان
- معاونت محترم میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خوزستان

با سلام

احتراماً بدینوسیله به استحضار میرساند که این مهندسین مشاور در نظر دارد به نمایندگی از طرف شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان نسبت به برگزاری کارگاه‌های آموزشی به شرح جدول ذیل اقدام نماید. لذا در صورت تمایل به شرکت در هر یک از کارگاه‌های مورد نظر خواهشمند است دستور فرمائید متناسب با مشخصات جامعه هدف نسبت به معرفی افراد واجد شرایط (با ذکر شماره تلفن همراه) اقدام مقتضی می‌ذول و مراتب را از طریق دورنگار شماره ۰۶۱-۲۳۲۸۷۸۷۲ و یا آدرس الکترونیکی shahrandish.a.d@gmail.com حداکثر تا تاریخ ۹۵/۱۰/۳۰ به این مهندسین مشاور اعلام فرمایند. لازم بذکر است هزینه‌ی تشکیل کارگاه‌های فوق‌الذکر توسط "شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی استان خوزستان" تامین گردیده است. مکان و زمان برگزاری دوره‌های ذکر شده متعاقباً اعلام خواهد گردید.

ردیف	نام کارگاه	مدت دوره	مکان	جامعه هدف	زمان برگزاری
۱	تاب‌آوری شهری در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری	۶ ساعت	شهر اهواز	مدیران، معاونین یا کارشناسان ذی‌ربط ادارات مدعو، اعضای محترم شورای اسلامی شهر مدیران عامل و یا معاونین سازمان‌های نوسازی و بهسازی، اعضای محترم سازمان نظام مهندسی استان	بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۵
۲	ارائه و تشریح سند ملی بازآفرینی شهری	۶ ساعت			
۳	تجوه برخورد با خرده فرهنگ‌های محلی به منظور اعتمادسازی	۶ ساعت			
۴	ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری	۶ ساعت			
۵	ارائه تجربیات بهسازی و نوسازی استان	۶ ساعت			

سید عباس آل محمد
مدیر عامل

اهواز، کیانپارس، خیابان ۱۴ غربی، ساختمان برج، طبقه ۲، واحد ۱، تلفن: ۰۶۱-۲۳۲۸۷۸۷۲، فاکس: ۰۶۱-۲۳۲۸۷۸۷۲، کدپستی: ۶۱۵۵۸۶۷۵۵۱
پست الکترونیکی: shahrandish.a@gmail.com

تصویر شماره ۱-۲ - دعوت‌نامه





وزارت راه و شهرسازی
سازمان برنامه‌ریزی و بودجه
معاونت ملی برنامه‌ریزی و توسعه شهری
دوره‌های آموزشی
احیاء بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری
Revitalization, Rehabilitation and renovation of old, dilapidated and inefficient urban fabrics
دوره پنجم
کارگاه ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری
مدت: ۳ روز
محل برگزاری: اهواز، مجتمع بوستان هتل بوستان
اردیبهشت ۱۳۹۶
تعداد برگزار: ۸۰۰ نفر
وبسایت: www.udrc.ir

تاریخچه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

هسته اولیه شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران در سال ۱۳۴۴ با تأسیس دفتر بهسازی بافت شهری در حوزه معاونت بهسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی سابق شکل گرفت. بعدها و به منظور پیش‌نگری، پیشگیری و درمان مسائل مورد اشاره و با رسالت تجدید حیات شهری و تیل به شهر پایدار و مشارکتی، سازمان عمران و بهسازی شهری ایران با استناد به مصوبه هیئت وزیران از خرداد ۱۳۷۶ فعالیت رسمی خود را در قالب یک شرکت وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی آغاز نمود. در تیرماه سال ۱۳۸۳ با استناد مصوبه هیئت وزیران و تأیید شورای نگهبان، اساسنامه شرکت به عنوان شرکت مادر تخصصی تغییر کرد. به منظور پیشبرد اهداف و راهبردهای شرکت مادر در استانها، ادارات کل راه و شهرسازی استانها/ادارات بازآفرینی شهری، زیر نظر مستقیم مدیرکل مسوول گردیدند و در شرح وظایف مدیران کل و رؤسای ادارات راه و شهرسازی شهرستانها، مأموریت‌های شرکت مادر عمران و بهسازی شهری ایران لحاظ شده است.

حوزه فعالیت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران

بر اساس اساسنامه سال ۱۳۸۳، هدف از تشکیل شرکت، «سیاست‌گذاری، راهبری و برنامه‌ریزی در زمینه احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری و همچنین مدیریت استادهای بهینه از امکانات مذکور در جهت توسعه دورنی شهرها و ارتقای محیط زندگی شهری در چارچوب سیاست‌های وزارت مسکن و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و توسعه و ترویج فعالیت‌های فوق‌الذکر از طریق مشارکت راهبردها، ساکنان و مالکان بافت‌های مورد اشاره و اشخاص حقیقی و حقوقی است».

با توجه به مسائل عمده موجود در محدوده‌های هدف و نیز بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و در راستای سیاست‌های کلی نظام اسلامی، مقام معظم رهبری در بخش شهرسازی و معماری، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به عنوان ستاد ملی و عامل هماهنگی و هدایت‌کننده جریان بازآفرینی پایدار شهری در کشور، چهار محور کلیدی زیر را به عنوان اهداف کلان در دستور کار قرار داده است؛ کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی ساکنان محدوده‌های هدف و پیشگیری از بازتولید فقر در این محدوده‌ها؛ ارتقاء تاب‌آوری شهری، تجهیز و مقاوم‌سازی شهرها در مواجهه با سوانح؛ ارتقای هویت، منزلت مکانی و حفاظت از ارزش‌ها در محدوده‌ها و محله‌های هدف؛ تحقق حکمروایی شهری در برنامه بازآفرینی شهری در راستای ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان و مالکان محله‌ها و محدوده‌های هدف.

معرفی سازمان عمران و بهسازی شهری استان خوزستان

به منظور پیشبرد اهداف و راهبردهای شرکت عمران و بهسازی شهری ایران در سطح استانها مصوب گردیده است که ادارات بهسازی و نوسازی شهری در ساختار سازمانی ادارات کل راه و شهرسازی استانها تشکیل و مستقیماً زیر نظر مدیرکل اداره راه و شهرسازی فعالیت نمایند.

پاشرع به کار اداره نوسازی و بهسازی شهری استان خوزستان روح جدیدی به کالبد اقدامات مرتبط با مقوله احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده شهری، در سطح استان دیده شده که بویژه در پیشبرد اهداف شرکت مادر تخصصی در زمینه تهیه و تصویب طرح‌های مربوطه، ایجاد هم‌افزایی با دستگاه‌های مرتبط، ارتقاء کیفیت محیط‌زیستی، آموزش، ترویج و ارتقاء سطح آگاهی عمومی در موضوعات قانونی و اجرایی مرتبط در بین مدیران، بخش خصوصی و مالکین و هدایت اقدامات لازم در چارچوب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را می‌توان از رتوس اقدامات انجام شده از زمان تأسیس اداره بهسازی و نوسازی شهری استان خوزستان برشمرد.

معرفی شرکت مهندسی مشاور شهردانش آمایش

شرکت مهندسی مشاور شهر دانش آمایش به شماره ثبت ۳۷۳۳۹ در سال ۱۳۸۸ با کسب گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره، در تخصص شهرسازی و نیز تخصص ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی شروع به فعالیت نموده است.

این شرکت با کسب گواهینامه صلاحیت موضوع ماده ۴ قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از شرکت مادر تخصصی به شماره ۱۳۰۰۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۱ و با بهره‌مندی از تجربیات بالای کادر فنی خود مبتنی بر عملکرد علمی، پژوهشی و تجربی، به عنوان تنها مشاور رسمی استان خوزستان در تخصص ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیر رسمی و کارگزار شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان فعالیت می‌نماید. در این راستا افتخار دارد ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای در تخصص‌های مربوطه، امکان انتقال تجربیات موفق سایر شهرهای کشور را در زمینه نوسازی و بهسازی شهری در سطح استان خوزستان ایجاد و پستر لازم را جهت تسهیل ارتباط بین دستگاه‌های ذی‌ربط با شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران فراهم آورد.



طرح مساله

اهداف چارچوب جامع بازآفرینی شهری پایدار با توجه به مسائل و چالش‌های شناسایی شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند ملی عمران و بهسازی شهری، چهار محور کلیدی زیر به عنوان اهداف کلان در فرآیند تدوین برنامه بازآفرینی پایدار شهری در بخش شهرسازی و معماری مدنظر قرار گرفته است:

کاهش فقر شهری با رویکرد توانمندسازی ساکنان محدوده‌های هدف و پیشگیری از بازتولید فقر در این محدوده‌ها؛
ارتقاء تاب‌آوری شهری، تجهیز و مقاوم‌سازی شهرها در مواجهه با سوانح؛
ارتقای هویت و منزلت مکانی و حفاظت از ارزش‌ها در محدوده‌ها و محله‌های هدف؛
تحقق حکمروایی شهری در راستای احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف در برنامه بازآفرینی شهری پایدار
ظرفیت‌سازی در جامعه

بر اساس چارچوب بازآفرینی شهری پایدار، توانمندسازی ساکنان، حفاظت از ارزش‌ها، احیاء و ارتقای انسجام اجتماعی ساکنان محله‌ها از اهداف اصلی در امر بازآفرینی شهری است. در این راستا یکی از مفاهیمی که مطرح می‌گردد، ظرفیت‌سازی در جامعه است.



ضرورت مسئله

بر اساس چارچوب بازآفرینی شهری پایدار، در راستای عملیاتی کردن سند ملی بخشی از مسائل و مشکلات مربوط به مناطق ذکر شده به شرح زیر است:

بی‌توجهی به سهم و حضور شهروندان و همکاران نهادهای مدنی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری؛
توجه صرف به ابعاد کالبدی و زیبایی‌شناسی در امر ساماندهی و بهسازی محدوده‌های هدف و عدم توجه اقدامات به سرزندگی اجتماعی و اقتصادی و ملاحظاتی زیست‌محیطی؛
عدم ایفای نقش صحیح کنتسگران مختلف دخیل، به ویژه درگیری‌ها و مداخله‌های اجرایی مستقیم دولت و شهرداری‌ها در فرآیند بهسازی و نوسازی شهری؛
عدم توجه به توانمندسازی ساکنان این محله‌ها و محدوده‌ها برای حضور و مشارکت در فرآیند بهسازی و نوسازی و همچنین پایین بودن سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت و ضرورت برنامه‌های بازآفرینی شهری؛
عدم اعتماد ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف بازآفرینی به اقدامات و سیاست‌های بخش حاکمیتی (دولت، شهرداری‌ها و مانند آن).

کنتسگران دخیل در فرآیند تحقق چارچوب بازآفرینی شهری پایدار می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

بخش خصوصی
این بخش دربرگیرنده جامعه حرفه‌ای، شامل تمامی دستگاه‌ها و شرکت‌های تخصصی، سرمایه‌گذاران و نهادهای تأمین‌کننده سرمایه، جامعه نخبگان هستند؛ یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه‌هایی که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب‌نظر و صاحب‌قلم اند.

دولت
دولت، مشتمل بر کلیه دستگاه‌های اجرایی، نهاد سیاست‌گذار، ناظر و هدایت‌کننده فرآیند بهسازی و نوسازی شهری است.

اهداف دوره‌های آموزشی

آموزش، به عنوان گامی مهم برای افزایش آگاهی و مهارت حرفه‌مندان، نهادهای مدیریت شهری و مردم و آشنایی آنان با اهداف و فعالیت‌های شرکت مادر تخصصی و مفاهیم پایه‌ای و بنیادی در محدوده‌ها و محلات هدف بازآفرینی شهری به شمار می‌رود. اهداف دوره‌های آموزشی برگزار شده عبارتند از:

- ارتقاء و بهبود کیفیت علمی و مهارت‌ها در حوزه فعالیت‌های شرکت مادر تخصصی
- تقویت ارتباط با سازمانها و نهادهای علمی و آموزشی
- تقویت ارتباط و بالابردن سطح آگاهی ساکنان، شکل‌های مردمی و اجرایی و حرفه‌ای
- افزایش کارایی، اثربخشی و بهره‌وری فرد و گروه در جهت بازآفرینی شهری پایدار
- مناسب ساختن دانش و مهارت‌های مدیریت شهری و کارشناسان با راهکارهای نوین در امر بازآفرینی شهری پایدار

کارگاه ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی

محدوده‌های وسیعی از شهرهای کشور با معضلات پیچیده‌ای به ویژه فقر شهری، عدم ایمنی و بحران هویت‌رو به رو هستند.

کم‌توجهی به سرزنش بخش قابل‌توجهی از شهروندان کشور که از مسکن نامناسب، کمبود خدمات و زیرساخت‌های شهری و فقدان محیط اجتماعی سالم رنج می‌برند و با فقر نسبی و بیکاری گسترده مواجه هستند، فاقد هرگونه توجه منطقی است. بیش از ۵۶ هزار هکتار محلات نابسامان میانی، ۲۱ هزار هکتار از مرصه‌های تاریخی مراکز شهرها و ۵۳ هزار هکتار سکونتگاه‌های غیررسمی که رقمی بالغ بر ۳۰ درصد بافت‌های شهری موجود کشور را در برمی‌گیرند و جمعیتی بالغ بر ۱۷ میلیون نفر حدود ۲۰ درصد جمعیت شهری کشور را در خود جای که از این مسائل و مشکلات رنج می‌برند، دولت و شهرداری‌های کشور تاکنون تلاش‌های زیادی برای حل معضلات این مناطق انجام داده‌اند؛ ولی متأسفانه روند افت منزلت مکانی، اجتماعی این مناطق روبه افزایش بوده است.





فصل دوم:

کارگاه "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"





۲- کارگاه "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری"

کارگاه "ارائه و تشریح نقش ظرفیت‌سازی در فرآیند بازآفرینی شهری" پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و عرض خیرمقدم به مدعوین محترم با سخنرانی آقای مهندس پیروانه مدیر عامل شرکت مهندسیین مشاور شهرداری آمایش و آقای مهندس پنبه‌دانه‌پور ریاست محترم اداره عمران و بهسازی شهری خوزستان آغاز شد.

— **خانم دکتر پورشاد:** سلام عرض می‌کنم صبح همگی بخیر باشه، امیدوار هستم که موضوع کلاس امروز آنقدر برای شما جذاب باشد که بتوانیم تأخیر پیش آمده را با حضور مستمر شما جبران کنیم.

بنده مهدیه پورشاد هستم، کارشناسی ارشد مدیریت برنامه‌ریزی و دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی و امروز در خدمت شما هستم. تخصص اصلی من در زمینه تسهیلتگری اقتصادی- اجتماعی و توسعه پایدار است و در بحث بسیج اجتماعی سابقه تقریباً ۱۷-۱۸ ساله دارم و در موضوعات ظرفیت‌سازی و به‌ویژه تقویت دانش و مهارت‌های فنی بدنه بخش‌های دولتی و همچنین در سطوح مختلف مردمی تجربیاتی را دارم که خوشحال می‌شوم امروز در خدمت شما ارائه دهم.

بنده از سال ۷۷ تا به امروز بعنوان تسهیلتگر و مجری بیش از ۱۰ پروژه بین‌المللی در مباحث توسعه پایدار محلی شهری و روستایی و در حال حاضر هم به عنوان کارشناس فنی ظرفیت‌سازی در یک پروژه بزرگ مقیاس سازمان ملل که به کارفرمایی سازمان جهاد کشاورزی در ۱۳ استان کشور من جمله حوزه آبخیز کارون بزرگ در حال اجرا است، فعالیت داشته‌ام و امیدوار هستم که این پروژه هر چه سریعتر چارچوب‌های منطقی و فعالیت‌های کاری‌اش در بحث کارون بزرگ شروع شود چرا که برنامه‌ریزی منابع آب و منابع پایه چیزی نیست که صرفاً در قالب روستا و در قالب بحث‌های کشاورزی بگنجد. شما خودتان مشاهده می‌کنید که یک تالاب در جایی خشک می‌شود ولی اثراتش را شما در شهرها احساس می‌کنید و می‌بینید و این موضوع برای شما ملموس‌تر است چراکه سالیان سال است درگیر بحث ریزگردها هستید.

امروز با دو بحث اساسی در موضوعات برنامه‌ریزی در خدمت شما هستیم که امیدوارم بتوانیم با کمک شما در بحث مفاهیم، فعالیت‌هایی که در این حوزه کار شده است را به بحث و تبادل نظر بگذاریم.

روش کار کلاس امروز ما به این شکل است که ابتدا یک ارزیابی خیلی سریع از بحث مفاهیم پایه در ظرفیت‌سازی از شما روی کاغذ خواهیم داشت، سپس چند گروه کاری تشکیل می‌دهیم و تا آخر کلاس این گروه‌ها را خواهیم داشت و براساس مفاهیم و موضوعاتی که با هم پیش می‌رویم، تمرین می‌کنیم. اگر سطح کلاس و صبر و حوصله شما اجازه داد می‌توانیم مقداری فراتر رفته و موضوعات بیشتری را در مباحث برنامه‌ریزی با نگاه اجتماعی ارائه نمائیم.

۲-۱- منظور از ظرفیت‌سازی چیست؟

روی کاغذهای سبز کمرنگی که خدمت شما هست از شما خواهش می‌کنم که بنویسید ظرفیت‌سازی یعنی چه؟ یعنی وقتی از واژه ظرفیت‌سازی استفاده می‌کنیم شما به چه چیزی فکر می‌کنید؟ چه مفهومی در ذهن شما نقش می‌بندد؟

می‌خواهم ببینم شما از چه بعدی به ظرفیت‌سازی نگاه می‌کنید، ممکن است که یکی در این کلاس بگوید من تخصصم شهرسازی است و از بعد شهرسازی به نظرم ظرفیت‌سازی چنین تعریفی دارد، یکی ممکن است که عمومی ببیند، خیلی نمی‌خواهم که این مفاهیم را تفکیک کنم فقط می‌خواهم نظر شما را در رابطه با مفهوم ظرفیت‌سازی بدانم. ده دقیقه فرصت دارید تا تعریف خود را ارائه دهید.

داوطلب اول لطفاً تعریف کند که ظرفیت‌سازی را در چه بعدی دیده است؟

— **آقای مهندس کاظمی:** ظرفیت‌سازی به معنای ایجاد فرصت برای افراد جامعه است. فرد ممکن است بیکار باشد یا شغلی نداشته باشد، ایجاد فرصت برای آن فرد می‌تواند موجب شکوفایی آن شده که به نفع جامعه باشد.





- **خانم دکتر پورشاد:** بسیار عالی، یعنی در واقع ایجاد فرصت برای افراد جامعه در راستای توان فردی و سازمانی برای شکوفایی فرصت‌ها

- **آقای مهندس پیروانه:** من فکر می‌کنم که ظرفیت‌سازی به معنای ایجاد و یا تقویت بسترهای موجود چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ عملی است. جامعه هدف‌مان هم می‌تواند فرد باشد و هم جامعه و هم نهادهای مسئول در اجرای برنامه‌های شهری یا برنامه‌های توسعه. ابعادمان هم می‌تواند شامل ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... باشد. یعنی ما در ظرفیت‌سازی می‌خواهیم بسترهای موجودمان را تقویت کنیم چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ عملی، جامعه هدف‌مان شامل فرد و یا مجموعه نهادهای دست‌اندرکار و ابعاد یا زمینه‌های مشارکت‌مان هم می‌تواند شامل زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی باشد که هر کدام در این زمینه می‌تواند ما را در ظرفیت‌سازی و رسیدن به اهداف توسعه یاری بدهد.

- **خانم دکتر پورشاد:** بسیار عالی، خیلی ممنون.

- **آقای مهندس مهربانی:** تولید پتانسیل لازم جهت ارتقاء سطح مفاهیم شهری برای آحاد مردم

- **خانم دکتر پورشاد:** می‌شود راجع به "تولید" بیشتر توضیح دهید.

- **آقای مهندس مهربانی:** از نظر ارتقاء سطح مفاهیم شهری تولید یعنی بوجود آوردن زمینه ارتقاء فرهنگی، اقتصادی و ... برای آحاد مردم و ایجاد زمینه لازم برای آماده‌سازی بدنه شهری جهت رشد و ارتقاء منظر شهری از نظر بعد فیزیکی شهر.

- **خانم مهندس رشنوئی:** می‌تواند توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت‌های طلایی باشد که با استفاده از شناسایی درست محیط اطراف بدست بیاید و توانایی استفاده از پتانسیل‌ها و تغییر آنها از حالت سکون به بهترین وضع ممکن باشد، در هر زمینه‌ای هم قابل اجرا است نه فقط زمینه‌های شهری هر جا که بشود از یک محیط مانده و زنگار گرفته بدون تغییر هویت‌ها به سمت بهتر شدن پیش رفت.

- **آقای مهندس عبائی باقری:** ایجاد امکانات و موقعیت‌های خاص برای تحقق یک هدف خاص مانند فراهم کردن نیروی انسانی، یعنی برای یک هدف خاص نیروی انسانی خاص را تربیت کنیم، ایجاد یک فضای خاص برای یک کار خاص، انگیزه‌ای که ممکن است در یک جامعه نیاز باشد که می‌تواند یک پروژه عمرانی یا اقتصادی باشد.

- **خانم دکتر پورشاد:** این انگیزه‌ها در بعد فردی است؟

- **آقای مهندس عبائی باقری:** هم می‌تواند فردی باشد هم جمعی. یعنی در یک جامعه، انگیزه جمعی ایجاد شود برای یک تحول.

- **خانم دکتر پورشاد:** درسته، خیلی ممنون.

- **داوطلب بعدی:** ظرفیت‌سازی به معنی آماده کردن و ایجاد فضا برای پیشرفت محیط چه از نظر اقتصادی، چه فرهنگی و چه اجتماعی است. اگر از نظر شهرسازی بخواهیم تعریفی داشته باشیم باید گفت که شامل آماده‌سازی و ایجاد فضای بهتر برای رسیدن به ایده‌آل‌های شهری با توجه به پتانسیل و اهداف موجود است.

- **خانم دکتر پورشاد:** خیلی ممنون.

- **خانم مهندس معصومی:** به نظر من ظرفیت‌سازی ارتقاء و توسعه توانایی‌های موجود در یک جامعه و استفاده بهینه از آنها در ارتقاء عملکرد سیستم و نهایتاً نیازهای جامعه است.

- **آقای مهندس شهوازی:** ظرفیت‌سازی فراهم آوردن بستر یا زمینه، جهت پذیرش یک موضوع و یا حجم خاصی از یک مقوله یا میزان معینی از یک پروژه است به نحوی که توان فعلی را یا بالا ببرد یا در راستای اهدافی که وجود دارد تغییر دهد.





- آقای مهندس محمودی: ارتقاء توان ابزاری و فنی

- آقای مهندس کلاهی: موارد عمدتاً گفته شد ولی موضوعی که در ظرفیت‌سازی بخصوص در موضوعات شهری مطرح است، ایجاد زمینه‌ها عمدتاً در زمینه روانی و فرهنگی و اجتماعی است ضمن اینکه ظرفیت‌سازی عمدتاً همراه با آموزش و یادگیری است.

- خانم دکتر پورشاد: اگر موافق هستید یک جمع‌بندی داشته باشیم، اولاً ظرفیت‌سازی توجه به فرصت‌هاست. یعنی اگر بخواهیم ظرفیت‌سازی را تعریف کنیم باید فرصت‌هایی را که در جامعه وجود دارد را شناسایی و تقویت کنیم، بسترهای لازم در حوزه فرصت‌ها را به لحاظ علمی و عملی ارتقاء دهیم و ابعاد مختلف جامعه را از بعد فردی و سازمانی مورد توجه قرار دهیم. فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت را شناسایی کنیم.

ما وقتی می‌خواهیم یک برنامه‌ریزی توسعه انجام دهیم، اولین قدم شناسایی وضع موجود در این چهار بعد است، یعنی در واقع نقاط ضعف، قوت، تهدیدها و فرصت‌ها را شناسایی می‌کنیم متناسب با این موارد در تحلیل این چهار بعد، راهبرد ارائه می‌دهیم. یعنی می‌گوئیم اگر بخواهیم نقاط ضعف با توجه به نقاط قوت کم شود چه راهبردی استفاده شود؟ اگر بخواهیم تهدیدها را با استفاده از فرصت‌ها کاهش دهیم چه راهبردی باید استفاده شود؟ بنابراین اگر به ظرفیت‌سازی فکر می‌کنیم یعنی شناسایی این چهار موضوع و تبدیل آنها به راهبردهایی که کمک به توسعه می‌کند.

درباره بحث تغییر محیط صحبت کردیم، به تربیت نیروهای انسانی اشاره کردیم، به اعتبارات مالی اشاره کردیم که وقتی می‌گوئیم ظرفیت‌سازی فقط به آموزش توجه نمی‌کنیم، آموزش فقط یک بعد ظرفیت‌سازی است که به درستی به آن اشاره شد، آماده‌سازی محیط‌ها و فضاهای کاری اینکه فضاها مناسب شود برای حضور آن فعالیت‌ها در جامعه، ارتقاء توانمندی‌های موجود در جامعه از نظر عملکرد سیستمی، پاسخگویی به نیازهای جامعه و فراهم نمودن بسترهایی که به ارتقاء زمینه‌های توان افزایی افراد کمک می‌کند.

دوستان در رابطه با توجه به ابعاد ذهنی افراد هم اشاره کردند، نمی‌دانم که شما چقدر با کیفیت زندگی آشنایی دارید، یعنی وقتی درباره‌ی کیفیت زندگی صحبت می‌کنیم از دو بعد به جامعه نگاه می‌شود، یکی بعد عینی و دیگری بعد ذهنی.

بعد ذهنی به فرد نگاه می‌کند، یعنی می‌خواهد بگوید که فردی در یک جامعه در خانواده‌اش آیا احساس امنیت می‌کند؟ آیا انسان امیدواری است؟ آیا افسرده است؟ آیا خوشحال است؟ آیا از ابزارهایی که در اختیار دارد به نحو احسن استفاده می‌کند؟ آیا فضاهای شهری به او این ایمنی را می‌دهد که بتواند خودش را در جامعه مطرح نموده و کار کند؟

به بحث ابعاد عینی که وارد می‌شویم کاملاً فیزیکی و کالبدی است، میزان دسترسی جامعه هدف ما به سیستم حمل و نقل عمومی، میزان دسترسی جامعه هدف ما به آموزش، میزان دسترسی جامعه هدف ما به فضاهایی که کمک به رشد فرد کند، همه مواردی هستند که در بحث کیفیت زندگی مطرح می‌شود، وقتی می‌گوئیم ایجاد زمینه‌های لازم برای توجه به ابعاد ذهنی یک گروه، به کیفیت زندگی نگاه می‌کنیم که در حقیقت در موضوع ظرفیت‌سازی هم به واسطه آن وارد می‌شویم.

حال می‌خواهیم ببینیم که موضوع ظرفیت‌سازی در حقیقت چیست؟ یعنی تمام این مواردی که گفته شد بدرستی در چارچوب کاری ما وارد می‌شود و خیلی دقیق و مشخص در مورد آن صحبت شد اما در نگاه جدید ما وقتی به موضوع ظرفیت‌سازی توجه می‌کنیم یعنی داریم به جلب مشارکت‌های مردمی هم توجه می‌کنیم.

منظور از ظرفیت‌سازی چیست؟



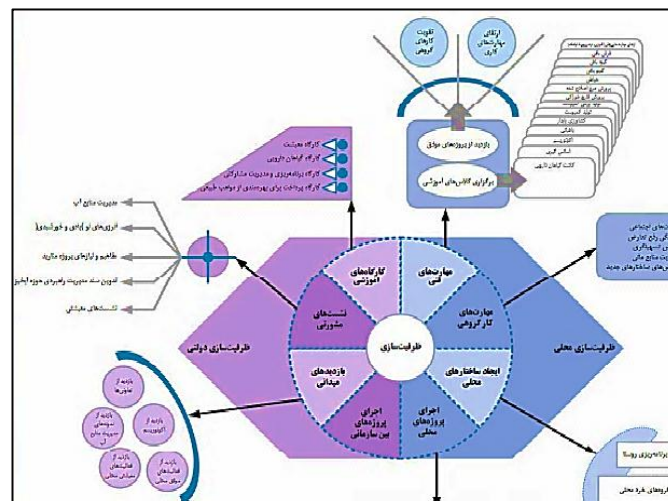


منظور از ظرفیت‌سازی چیست؟

- ❖ ظرفیت‌سازی، به ظرفیت‌سازی اجتماعی اشاره دارد که ایجاد توانایی نیروی انسانی، سازمانی، اجتماعی و تجهیزاتی به جهت حل مسایل، هدف‌گذاری، اجرای فعالیت‌ها و دستیابی به مدیریت یکپارچه منابع در یک حالت پایدار در محدوده‌ی عرصه‌های کاری می‌پردازد.
- ❖ ظرفیت‌سازی به توسعه‌ی ظرفیت اشاره دارد، یک روش ادراکی برای توسعه است که برای شناسایی موانع به کار می‌رود و روش‌های حل مشکلات و مسائل را بررسی می‌کند.
- ❖ نتیجه ظرفیت‌سازی ساختن شرایط مناسب برای تحقق حفظ، بهره‌برداری و نگهداری پایدار از منابع است.
- ❖ ظرفیت‌سازی «رویکردی توسعه‌ای» است و تمام بخش‌هایی را که بر فضای توسعه تسلط دارند را شامل می‌شود.

جدول شماره ۲-۱- منظور از ظرفیت‌سازی

وقتی می‌گوئیم ظرفیت‌سازی، بصورت مشخص به ظرفیت‌سازی اجتماعی اشاره می‌کنیم یعنی در حقیقت ایجاد توانایی در نیروی انسانی، سازمانی و جامعه هدف‌مان. ایجاد توانایی در بعد تجهیزاتی برای حل مسئله و برای اینکه بتوانیم هدف‌گذاری کنیم و فعالیت‌هایمان را اجرا کنیم و به یک مدیریت جامع و یکپارچه در یک حالت پایدار دست پیدا کنیم. وقتی می‌گوئیم ظرفیت‌سازی به توسعه ظرفیت اشاره می‌کنیم. بنابراین یک روش ادراکی است برای اینکه بتوانیم به موضوعات توسعه توجه کنیم، باید موانع را شناسایی کنیم، روش‌های حل مسئله و مشکلات را هم بررسی کنیم. در واقع ظرفیت‌سازی به شرایط مناسب برای تحقق، حفظ، بهره‌برداری و نگهداری پایدار از منابع توجه می‌کند (جدول شماره ۲-۱) و (نمودار شماره ۲-۱).



نمودار شماره ۲-۱- نمودار ظرفیت‌سازی

۲-۲- ظرفیت‌سازی در جامعه محلی

ظرفیت‌سازی یک رویکرد توسعه‌ای است و تمام بخش‌هایی را که بر فضای توسعه تسلط دارند را درگیر می‌کند، بعنوان مثال در اهواز بافت تاریخی وجود دارد، از نظر سنتی می‌گویند که مسئولیت بافت تاریخی به عهده سازمان میراث فرهنگی است، آیا واقعاً سازمان میراث فرهنگی به تنهایی می‌تواند این بخش را مدیریت کند؟ قطعاً نمی‌تواند، زیرا در این بافت تاریخی عوامل دیگری هم دخیل هستند مانند زیرساخت‌های شهری مثل آب و فاضلاب، بنابراین وقتی آب و فاضلاب مطرح می‌شود در کنار میراث فرهنگی، سازمان آب و فاضلاب هم قرار می‌گیرد، یکسری گروه‌های محروم در این مناطق ساکن هستند، برای فقر زدایی و محرومیت‌زدایی کمیته امداد و سازمان بهزیستی وارد می‌شوند که در کنار سازمان میراث فرهنگی قرار می‌گیرند.





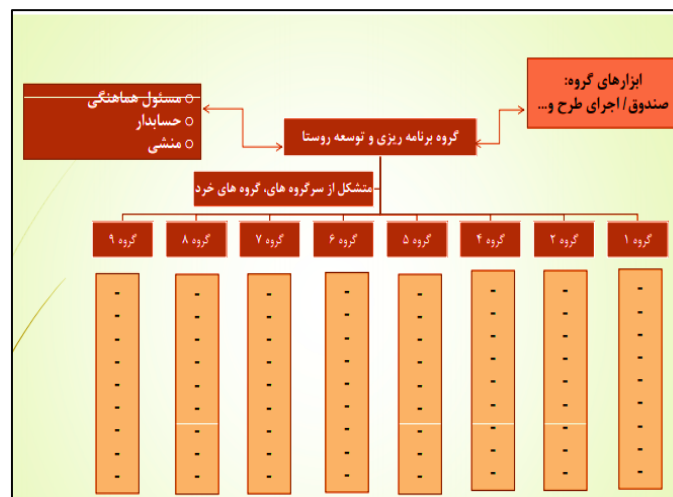
مجدداً شهرداری خدمات شهری به بافت تاریخی می‌دهد گاهی اوقات هم یکسری مداخلات برای بهسازی و بهبود شرایط دسترسی به شاهراه‌های اصلی یا فضاهایی که در شهر وجود دارد، انجام می‌دهد و پروانه ساخت و بهسازی می‌دهد و شما می‌بینید که شهرداری هم مداخله می‌کند بنابراین شهرداری هم باید در کنار سازمان میراث فرهنگی که متولی اصلی این جریان است قرار بگیرد.

گاهی اوقات در بخشی از بافت‌های تاریخی موضوعاتی مانند جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد و پلیس هم به این جریان اضافه می‌شود و در کنار سازمان میراث فرهنگی قرار می‌گیرد. وقتی گفته می‌شود تمام بخش‌هایی که بر فضای توسعه تسلط دارند، یعنی شناسایی تمام دست‌اندرکارانی که کمک می‌کنند که آن فضا از آن حالت و وضع موجود به یک حالت پایدار و متعادل برسد، بنابراین شناسایی دست‌اندرکاران و تحلیل دست‌اندرکاران در حوزه توسعه مطرح می‌شود (جداول شماره ۲-۲ و ۳-۲) و (نمودار شماره ۲-۲) و (تصاویر شماره ۱-۲ و ۲-۲ و ۳-۲)

منظور از ظرفیت‌سازی در جامعه محلی چیست؟

- ❖ ظرفیت‌سازی جامعه محلی به منظور ارتقاء و توسعه توان جامعه محلی برای رسیدن به یک درک مشترک برای حل مسائل است.
- ❖ ظرفیت‌سازی جامعه محلی به منظور ارتقاء مهارت جامعه محلی برای استخراج اولویت‌ها، طراحی، اجرا و نظارت و ارزیابی برای دستیابی به مدیریت پایدار منابع است.
- ❖ نتیجه ظرفیت‌سازی ساختن شرایط مناسب برای تحقق توسعه پایدار با مشارکت مردم محلی و سایر دست‌اندرکاران است.

جدول شماره ۲-۲- منظور از ظرفیت‌سازی در جامعه محلی



- هیأت اجرایی متشکل از ۳ نفر با انتخاب اعضای گروه برنامه‌ریزی و توسعه روستا شامل: مسئول هماهنگی / حسابدار و منشی انتخاب می‌شوند.

نمودار شماره ۲-۲- نمودار ساختارهای محلی





ایجاد ساختارهای محلی و معیشت‌های جایگزین / پایدار

- ❖ طراحی برنامه مداخله محلی (روش‌های اطلاع‌رسانی و شناسایی معتمدین و شبکه‌های قدرت و ساختارهای محلی در محلات)
- ❖ تشکیل گروه‌های خرد و آموزش اهمیت تشکیل گروه، نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازها
- ❖ طبقه‌بندی نیازها براساس اولویت‌ها و اهداف پروژه با کمک مردم محلی
- ❖ اجرای پروژه‌های محرک توسعه
- ❖ تشکیل نهاد توسعه محلی که متشکل از سرگروه‌ها، گروه‌های خرد و هیأت اجرایی است.
- ❖ آموزش مباحث مالی و حسابداری و تشکیل صندوق‌های توسعه محله و پس‌انداز
- ❖ شناسایی پروژه‌های موفق یا ناموفق متناسب با موقعیت محلات (از نظر اقلیمی و اجتماعی و ...) و برگزاری برنامه بازدید
- ❖ آموزش مباحث مالی و حسابداری و تشکیل صندوق و پس‌انداز

جدول شماره ۲-۳- ایجاد ساختارهای محلی و معیشت‌های جایگزین / پایدار

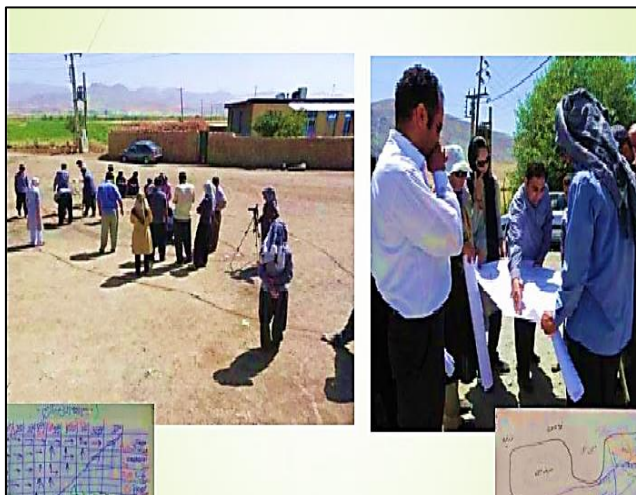


تصویر شماره ۲-۱- نمونه‌ای از تصاویر تشکیل کمیته‌های ملی و محلی



تصویر شماره ۲-۲- تصویر نمونه‌ای از پروژه‌های محرک توسعه - راه‌اندازی حمام خورشیدی





تصویر شماره ۲-۳- تصویر نمونه‌ای از همکاری مردم برای ظرفیت‌سازی در جوامع محلی

۲-۳- اهداف بخش ظرفیت‌سازی

اهدافی که در بخش ظرفیت‌سازی دنبال می‌شود طبق (جدول شماره ۲-۴) و (نمودار شماره ۲-۳) عبارتند از:

اهدافی که در بخش ظرفیت‌سازی دنبال می‌شود.	
❖	ارتقاء دانش و ظرفیت در سطوح جامعه محلی، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران دولتی و غیر دولتی، به منظور دستیابی به الگوی مناسب جهت تحقق مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی و تقویت انسجام سازمانی برای مدیریت یکپارچه محلات
❖	تلاش در جهت ایجاد تغییر نگرش در بین مردم محلی و دولتی‌ها (نزدیک شدن دیدگاه‌ها به موضوع برنامه‌ریزی دوسویه پایین به بالا و برعکس)
❖	افزایش مهارت‌های نهادی و کارکنان و سازمان‌های تأثیرگذار در مواجهه با مسائل و مشکلات موجود در محلات الگویی...
❖	بهبود وضعیت ساختاری تصویب و تخصیص اعتبارات دولتی و استفاده از ظرفیت‌های اعتباری دولت در بخش‌های غیر دولتی و مردمی برای اهداف طرح.

جدول شماره ۲-۴- اهداف بخش ظرفیت‌سازی

بازدید از تجارب موفق/ناموفق	محوریت با ارتقاء مهارت
	آموزش در عمل
انتقال تجربه	انجام کار عملی - میدانی

نمودار شماره ۲-۳- ویژگی آموزش‌ها



**۲-۴ - فرآیند ظرفیت‌سازی**

فرآیند ظرفیت‌سازی طبق (جدول شماره ۲-۵) عبارت است از:

فرآیند ظرفیت‌سازی	
۱-	شناخت وضعیت موجود
۲-	نیازسنجی آموزشی از دست‌اندرکاران (دولتی و مردمی)
۳-	استخراج اولویت‌ها و نیازهای مردم محلی
۴-	یافتن ایده‌های مناسب مشارکتی برای رفع نیازها و بهبود شرایط
۵-	تطابق آن با شرایط موجود و برنامه‌های دست‌اندرکاران
۶-	برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی
۷-	ارزیابی و بازخورد فعالیت‌ها بصورت مشارکتی
۸-	توسعه/ توسعه پایدار

جدول شماره ۲-۵ - فرآیند ظرفیت‌سازی

۲-۵ - ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش در سطح ستادهای شهرستانی و استانی و در سطح جامعه محلی

ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش در سطح ستادهای شهرستانی و استانی و در سطح جامعه محلی طبق (جدول شماره ۲-۶) و (تصاویر شماره ۲-۴ و ۲-۵ و ۲-۶ و ۲-۷ و ۲-۸) شامل:

ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش	
در سطح ستادهای شهرستانی و استانی در بخش	
❖	برگزاری کارگاه‌های آموزشی متناسب با نیازسنجی آموزشی
❖	نشست‌های مشورتی و تخصصی
❖	شرکت در سمینارهای تخصصی
در سطح جامعه محلی	
❖	برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ارتقاء مهارت‌های فنی: مدیریت مشارکتی محله/ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی/ پیشگیری و پیشگیری از گسترش حاشیه شهرها/ مدیریت جامع منابع و ...
❖	برگزاری دوره‌های آموزشی حسابداری/ ارتباط مؤثر/ اهمیت فعالیت‌های گروهی/ طرح‌نویسی مشارکت/ روش‌های حل مسئله/ گزارش‌نویسی/ استفاده از کامپیوتر/ شیوه‌های نامه‌نگاری و مستندسازی و ...

جدول شماره ۲-۶ - ارتقاء مهارت‌های فنی و انتقال دانش





تصویر شماره ۲-۴- تصویر راه‌اندازی دفتر توسعه محلی



تصویر شماره ۲-۵- نمونه‌ای از راه‌اندازی معیشت- تولید و بسته‌بندی گیاهان دارویی توسط زنان



تصویر شماره ۲-۶- تصویر راه‌اندازی کارگاه نیمه صنعتی تولید عرقیات گیاهی در استان تهران





تصویر شماره ۲-۷ - راه‌اندازی مرکز اشتغال زنان در استان تهران



تصویر شماره ۲-۸ - تصویر اقدامات انجام شده در راستای آموزش مدارس در شهرستان گرمسار

۲-۶ - فعالیت‌های اجرایی و عملی

فعالیت‌های اجرایی و عملی در سطح ستادهای شهرستان و استان در بخش دولتی و در سطح جامعه محلی طبق (جدول شماره ۲-۷) عبارتند از:

فعالیت‌های اجرایی و عملی	
✓	در سطح ستادهای شهرستان و استان در بخش دولتی
❖	استخراج برنامه‌های دست‌اندرکاران دولتی و انطباق آن با اولویت‌های مردمی، اجرا با کمک مردم و دولت و با نظارت عالی کارشناسان فنی و پایش و ارزیابی توسط هر دو گروه (مردم و دولت)
❖	تخصیص ردیف‌های اعتباری در راستای توسعه پایدار محلات
✓	در سطح جامعه محلی
❖	اجرای فعالیت‌های عام‌المنفعه
❖	اجرای فعالیت‌های فردی/یا گروهی

جدول شماره ۲-۷ - فعالیت‌های اجرایی و عملی



**۷-۲ - بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق / ناموفق**

بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق / ناموفق در سطح ستادهای شهرستان و استان در بخش دولتی و در سطح جامعه محلی طبق (جدول شماره ۸-۲) عبارتند از:

بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق / ناموفق	
✓	در سطح ستادهای شهرستان و استان در بخش دولتی
❖	متناسب با اهداف و شاخص‌های بازآفرینی، طرح‌های موفق و ناموفق در زمینه‌های نوسازی و بهسازی، مرمت، طرح‌های مشارکتی و ... برنامه بازدید برگزار شود.
✓	در سطح جامعه محلی
❖	شناسایی پروژه‌های مشارکتی که منجر به توسعه پایدار محله شده است.
❖	شناسایی پروژه‌های مشارکتی که منجر به ایجاد اشتغال‌های پایدار و متصل به بازار شده باشد.
❖	شناسایی پروژه‌هایی که نقش و حضور مردم در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت جزء ارکان اصلی اجرای پروژه‌ها باشد.

جدول شماره ۸-۲ - بازدید از تجارب و درس‌آموخته‌های پروژه‌های موفق / ناموفق**۸-۲ - ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقاء سرمایه‌ها**

ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقاء سرمایه‌ها طبق (جدول شماره ۸-۲) به معنی:

ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقاء سرمایه‌ها	
❖	ایجاد ساختارهای جدید در بدنه دست‌اندرکاران دولتی و مردم محلی ضمن افزایش اعتماد به تقویت سرمایه اجتماعی می‌پردازد.
❖	افزایش اعتماد به ایجاد وفاق و همدلی و در نهایت منجر به تقویت سرمایه اجتماعی و تقسیم کار می‌شود.
❖	ظرفیت‌سازی در مسیر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی باعث حفظ پایدار منابع آب و خاک و محیط زیست می‌شود.
❖	خروج کارشناسان و مردم از محلات و بازدید از فضاها و موقعیت‌های جدید باعث تغییر رویکرد و ارتقاء دانش و آگاهی می‌شود.
❖	آموزش در مسیر ارتقاء مهارت‌های فنی برای ایجاد واحدهای معیشتی به افزایش درآمد و ارتقاء سرمایه‌های اقتصادی و مالی می‌شود.

جدول شماره ۸-۲ - ظرفیت‌سازی در مسیر ارتقاء سرمایه‌ها**۹-۲ - مدل کلی طراحی، مطالعه و پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی**

مدل کلی طراحی، مطالعه و پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی طبق (نمودار شماره ۴-۲) شامل:

پایش و ارزشیابی	مطالعه و شناخت
	بسترسازی و ظرفیت‌سازی
	برنامه‌ریزی
	اجرای اقدامات

نمودار شماره ۴-۲ - مدل کلی طراحی، مطالعه و پیاده‌سازی برنامه‌های اجرایی





۲-۱۰- فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین / پایدار

فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین / پایدار طبق (جدول شماره ۲-۹) عبارت است از:

فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین / پایدار	
❖ طراحی برنامه‌های معیشتی متناسب با اهداف پروژه	✓
✓ استخراج اولویت‌های مردمی و شناسایی ظرفیت‌های محله در راستای ایجاد و یا تقویت معیشت‌های موجود	✓
✓ بررسی بازار فروش و تضمین خرید (شامل شناسایی سرمایه‌گذار / برنامه‌های دولتی / واحدهای تولیدی و ...)	✓
✓ عقد تفاهم‌نامه با سرمایه‌گذاران و متناسب با نتایج بررسی‌ها برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی	✓
✓ ایجاد واحدهای اشتغال‌زایی و تضمین خرید	

جدول شماره ۲-۹- فرآیند ایجاد معیشت‌های جایگزین / پایدار

در آخر ظرفیت‌سازی یعنی حل یک مسئله، تمام این تعاریفی که گفته شد برای این است که یک مسئله را بتوانیم حل کنیم. مهمترین گروه هدفی که در بخش‌های ظرفیت‌سازی دخالت دارد جامعه محلی و کسانی است که در آن محل ساکن هستند بنابراین ده یا پانزده سازمان دولتی که حول یک دست‌اندرکار اصلی قرار گرفته‌اند، همه در درون ظرف جامعه محلی قرار می‌گیرند، یعنی بدون دریافت نظرات مردم امکان برنامه‌ریزی و توسعه پایدار در محلات را نخواهیم داشت! اینجا موضوع مشارکت مطرح می‌شود.

چقدر با مشارکت آشنا هستیم؟ وقتی گفته می‌شود مشارکت، چقدر این مفهوم با ما درگیر است؟ مفهوم مشارکت از بعد نظری و بعد اجرایی دو موضوع است، امروز می‌خواهیم به این موضوع هم بپردازیم که وقتی گفته می‌شود مشارکت، یعنی چه؟ و چگونه می‌توانیم مشارکت مردم را برای موضوعات توسعه‌ای در جریان بیاندازیم؟ می‌خواهیم گروه‌هایی تشکیل دهید و آنها را نامگذاری کنیم، چهار گروه تشکیل می‌دهیم با نام چهار محله تاریخی.

۱- لشکرآباد

۲- عامری

۳- حصیرآباد

۴- زیتون

دوستان توجه داشته باشند که ما گروه‌هایمان را تا آخر جلسه امروز خواهیم داشت. نام گروه‌تان را روی پوسترهایی که روی دیوار نصب کرده‌اید بنویسید و اسامی اعضای گروه‌تان را هم روی پوسترها بنویسید، با هم‌فکری و هم‌نظری درون گروه‌تان، تعریف کنید که مشارکت یعنی چه؟ ده دقیقه فرصت دارید تا با هم به تبادل نظر بپردازید و در پایان سرگروه‌ها ضمن جمع‌بندی، نظرات گروه خود را ارائه خواهند داد. از تمام ابزارهایی که در اختیار دارید استفاده کنید.

– **گروه لشکرآباد:** مشارکت عبارت است از تعامل، تفکر، گفتگو و همکاری تمامی افراد مؤثر و یا ذی‌نفع برای اخذ تصمیمات و یا حل مشکلات و یا وصول توافق برای انجام یک اقدام از طریق خرد جمعی، مرحله بعد از مشارکت ایجاد هماهنگی و توافق است.

– **گروه حصیرآباد:** (آقای مهندس قاطعی) تعریفی که مجموعاً به آن رسیدیم به اشتراک‌گذاری و همکاری کردن و جمع‌توانمندی‌ها و پتانسیل‌ها برای رسیدن به اهداف مشخص و مشترکی که وجود دارد.

– **گروه زیتون:** (آقای مهندس شهوازی) مشارکت استفاده از ظرفیت‌های موجود یک جامعه در رسیدن به اهداف مشترک می‌باشد.





– **گروه عامری:** (خانم مهندس رشنویی) درگیری ذهنی و عاطفی کامل و همه جانبه افراد جامعه هدف و تلاش دسته جمعی آنها برای دستیابی به اهداف گروهی و مسئولیت‌پذیری هر کدام از آنها در راه نیل به اهداف مشترک.

– **خانم دکتر پورشاده:** خیلی خوشحال هستم از اینکه در چهار گروه تعداد زیادی واژه‌های متفاوت وجود داشت، این نشان می‌دهد که هنوز به یک اتفاق نظر در مورد موضوع مشارکت نرسیده‌ایم. ولی باور کنید که مشارکت مفهومی دارد که باید همه با هم نسبت به آن به توافق برسیم.

مشارکت سلیقه نیست، مشارکت فرآیند است یعنی تمام این واژه‌هایی که شما عزیزان بکار بردید و یک موضوع در همه شما مشترک بود هدف مشترک و یا اقدام مشترک بود، یعنی تمام این موارد را بکار می‌بریم که به هدف مشترک یا یک اقدام مشترک برسیم.

می‌خواهم بگویم که مشارکت اساس و پایه‌اش آگاهانه است. بنابراین یک فرآیند آگاهانه است، شما نمی‌توانید افراد جامعه را با زور و یا استفاده از پول یا استفاده از بسته‌های تشویقی به مشارکت بگیرید، شما باید جامعه هدف را در یک چارچوب اطلاع-رسانی و آگاهی بخشی صحیح و درست به مشارکت بگیرید، یعنی انسان‌ها خودشان تصمیم بگیرند که با شما همکاری کنند یا نه. افراد جامعه خودشان تصمیم بگیرند که برای سرنوشت جامعه‌شان قدم بردارند یا نه! بنابراین وقتی آگاهانه باشد پشت سر آن یک حرکت داوطلبانه می‌آید.

مشارکت فرآیندی آگاهانه و داوطلبانه است.

۲-۱۱- اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی

اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی طبق (جدول شماره ۲-۱۰) عبارتست از:

اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی، دوری از برنامه‌ریزی متمرکز، آمرانه و خطی است. این امر از یک طرف مستلزم تقسیم وظایف برنامه‌ریزی میان سطوح مختلف مدیریت و تصمیم‌گیری (ملی، منطقه‌ای و محلی) است و از طرف دیگر، نیازمند مشارکت و همکاری همه‌ی نیروهای است که در حیات شهرداری دارند. از این نظر برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی بر اساس امکانات نهادهای محلی، جامعه محلی و مشارکت محلی استوار است و برخلاف روال گذشته بر برنامه‌ریزی و طراحی بر مقیاس‌های کوچک و مشخص تأکید می‌ورزد. در واقع از این طریق است که اهداف و روش‌های برنامه‌ریزی با نیازها و امکانات واقعی هر محل انطباق می‌یابد و میان روندهای برنامه‌ریزی و روندهای اجرایی هماهنگی و وحدت برقرار می‌گردد. رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی ایجاب می‌کند که نقش تمام عوامل و نیروهای مؤثر در حیات شهر مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد و نحوه حضور و دخالت آنها در تحولات حال و آینده‌ی شهر به درستی در نظر گرفته شود. شهر در نهایت به عامه تعلق دارد و هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی نیز به تأمین آسایش و رضایت آنان بر می‌گردد. بنابراین طبیعی و ضروری است که خود آنان در شکل‌گیری، توسعه، نظارت و چگونگی بهره‌گیری از امکانات شهر دخالت فعال و مؤثر داشته باشند. از این دیدگاه موضوع مشارکت در روند توسعه و عمران شهر، یک پدیده فرعی یا یک تدبیر سیاسی و اخلاقی نیست، بلکه یکی از ابزارهای لازم برای موفقیت در تهیه و اجرای طرح‌های توسعه محسوب می‌شود.

جدول شماره ۲-۱۰- اهمیت مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی





۲-۱۲- تعاریف و مفاهیم کلیدی از برنامه‌ریزی و مشارکت

تعاریف و مفاهیم کلیدی از برنامه‌ریزی و مشارکت طبق (جدول شماره ۲-۱۱) عبارتست از:

تعاریف و مفاهیم کلیدی	
۱- برنامه‌ریزی	۲- مشارکت
۱- برنامه‌ریزی شهری Urban planning	۲- مشارکت participation
<p>عبارت است از ساماندهی کالبدی-فضایی شهر و به عبارت دیگر ساماندهی کاربری زمین برای تامین یک محیط کالبدی شایسته زندگی مدنی و بایستی تأکید نمود که برنامه‌ریزی کالبدی وجه کالبدی برنامه‌ریزی عمومی یا برنامه‌ریزی اجتماعی اقتصادی است. بنابراین نقشه شهرها با توجه به اهداف و معیارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی تبیین می‌شود.</p> <p>برای تکمیل مفهوم برنامه‌ریزی شهری، می‌توان تعریف دیگری را براساس منشور آتن مطرح کرد و گفت که برنامه‌ریزی شهری عبارت است از سازماندهی مکان‌ها و محیط‌های متفاوتی که می‌باید شرایط رشد و توسعه زندگی جامعه را در تمام ابعاد مادی، معنوی و فرهنگی در همه شکل‌های فردی و اجتماعی فراهم آورد.</p>	<p>در تعریف عام مشارکت، سهیم بودن افراد گوناگون در انجام امر خاص مد نظر است، اما در تعبیر خاصی که از مشارکت می‌شود، مراد از شرکت دادن مردم به همراه دولت و مسئولین دولتی در اداره امور کشور یا منطقه‌ای معین است، و از نظر جامعه‌شناختی، مشارکت، همکاری و همیاری اعضای گروه‌های اجتماعی به منظور انجام کاری به صورت دسته جمعی است.</p> <p>"مشارکت عبارتست از دخالت مؤثر اعضای یک گروه یا جامعه (و یا نمایندگان آنها) در تمامی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به کل گروه و جامعه مربوط می‌باشد".</p> <p>دایره‌المعارف شهرسازی، مشارکت عمومی در شهرسازی را اینگونه تعریف می‌کند.</p> <p>"مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که بوسیله آن اعضای جامعه را قادر به شرکت کردن در تدوین سیاست‌ها و طرح‌هایی می‌کردند که بر روی محیط زندگی آنها تأثیر می‌گذارد".</p> <p>از نظر بانک جهانی "مشارکت فرآیندی است که از طریق آن بهره‌وران، کنترل خود را بر روندهای توسعه و تصمیمات و منابع که مرتبط با برنامه است، با هم تقسیم می‌کنند".</p> <p>بر مبنای تعاریفی که ذکر گردید، می‌توان گفت که شهرسازی مشارکتی فرآیندی است که در آن عموم در فعالیت‌های شهرسازی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر روی زندگی آن تأثیر دارد، دخالت می‌کنند.</p> <p>"مشارکت در اغلب متون، عمدتاً به معنای شرکت دادن مردم با یکدیگر در انجام کاری و شریک شدن در منافع کارآمدهاست، کلمه مشارکت معادل اصطلاح (participation) انگلیسی است که این کلمه از ریشه part به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده است و به معنای سهیم شدن در چیزی و یا قسمتی از آن چیز معنا می‌دهد".</p> <p>اگر از دید مدیریتی به مشارکت نگریسته شود، مشارکت فعال مردم در فرآیند توسعه از پایین به عنوان یک نوع قدرت و ابتکار ساکنان در پیشبرد توسعه زیستگاه‌های مسکونی قلمداد می‌گردد، به طوری که دیوید مارسدن و پیتر اوکلی معتقدند: مشارکت به توزیع قدرت در جامعه مربوط است زیرا این قدرت است که گروه‌ها را قادر می‌سازد که تعیین کنند کدام نیازها به و نیازهای چه کسانی از طریق توزیع و یا بکارگیری چه منابعی برطرف خواهد شد.</p> <p>مشارکت مردمی در قوانین روم به نام «سایوز»، بالاترین پایگاه اجتماعی را داشت. بعد از ۲۱۲ میلاد برای نخستین بار حق مشارکت به همه ساکنان امپراطوری روم تعمیم داده شد. باید توجه داشت که در دادن حق مشارکت به همه ساکنان روم تعمیم داده شد. باید توجه داشت که در دادن حق مشارکت به همه ساکنان روم، کاراکالا، امپراطور، هدف فقط بوجود آوردن حس تعهد نسبت به مفهوم حق مشارکت نبود بلکه کاهش شورش در استان‌ها، افزایش مالیات و قدرت بخشیدن به ارتش نیز مورد نظر بود. دادن حق مشارکت به مردم در عمل باعث ایجاد تعهد به امپراطوری شد. بنابر این دو ارزش اساسی مشارکت یعنی «حق مشارکت» و «ایجاد حس تعهد» در تمدن غرب شکل گرفت.</p> <p>همچنین مشارکت می‌تواند به عنوان زمینه مؤثر در جهت بخشی نظام ارزش جامعه در تعیین اهداف مورد نظر جامعه از کارکرد ارزنده‌ای برخوردار باشد. "سالیما عمر (کتاب از دموکراسی مشارکتی تا تأسیس نهاد و توسعه اجتماعی)" براساس این دریافت از مشارکت می‌گوید: "فرایند مشارکت، مداخله و کنترل مردم، بیشتر به تعیین آنچه که از دیدگاه خود مردم یک زندگی بهتر را تشکیل می‌دهد منجر خواهد شد".</p>





شد در اینصورت تصمیماتی در ارتباط با این که چه چیزی یک زندگی را بهتر می‌سازد، پیش از این که با آن چه مردم مهم و مقدس می‌شمارند منافات داشته باشد، نظام ارزشی آن را منعکس می‌کند".

میسرا تقریباً از همین دیدگاه و با ارزش قائل شدن به رأی و نظر و خواست مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌گوید. "مشارکت عبارتست از رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در رویارویی نیروی تصمیم‌گیری و عمل سنجیده و از روی فکر باشد".

جدول شماره ۲-۱۱- تعاریف و مفاهیم کلیدی از مفهوم مشارکت و برنامه‌ریزی شهری

۲-۱۳- راهبرد توسعه شهر

فرآیند راهبرد توسعه شهر طبق (جدول شماره ۲-۱۲) عبارتست از:

راهبرد توسعه شهر
<p>راهبرد توسعه شهر/ محله که در دهه ۱۹۶۰ ابتدا در انگلستان و سپس در امریکا متأثر از نظریه سیستم‌ها و در واکنش به نواقص طرح‌های جامع و تفصیلی شهری به وجود آمد، این نوع برنامه‌ریزی اصولاً به سمت برنامه‌ریزی فرآیندی، تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی محلی، مشارکت و تلفیق برنامه‌ریزی و اجرا روی می‌آورد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۵).</p> <p>در واقع استراتژی‌های توسعه شهری با بهره‌گیری از مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی دامنه‌ی وسیعی از مسایل مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی شهرها در برمی‌گیرد. در این راستا ابتدا با بهره‌گیری از مشارکت ذینفعان، چشم‌انداز محله مشخص شده و سپس استراتژی و راهبردهای مورد نظر جهت دستیابی به چشم‌انداز و توسعه پایدار تدوین می‌گردد. در نهایت این استراتژی‌ها به برنامه‌های اجرایی (اقدام) تبدیل می‌گردند (Phonmpenh, ۲۰۰۵: ۱۰۵). به نقل از صابری و همکاران، (۱۳۹۰).</p> <p>یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی، دوری از برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه است. از این منظر برنامه‌ریزی ساختاری- راهبردی بر امکانات نهادهای محلی، جامعه‌ی محلی و مشارکت محلی استوار است و بر خلاف روال گذشته بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در مقیاس‌های کوچک و مشخص تأکید دارد.</p> <p>با توجه به ناکامی طرح‌های توسعه‌ی شهری در حل مشکلات فرآینده زندگی شهری، لزوم تغییر در چارچوب نظری و فرآیند طرح‌های کنونی و استفاده از مشارکت شهروندان، تکیه بر کنش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی شهر و در نهایت پایبندی به توسعه اجتماعات محلی و حکمروایی خوب اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در این راستا نظریه‌ها و پارادایم‌های جدیدی با محوریت برنامه‌ریزی راهبردی مطرح شده است (صرافی، ۱۳۸۸).</p>

جدول شماره ۲-۱۲- فرآیند راهبرد توسعه شهر

۲-۱۴- تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم

فرآیند تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم طبق (جدول شماره ۲-۱۳) عبارتست از:

پارادایم	دوره‌ی نفوذ	مبانی فکری و اجتماعی	اهداف کلان	الگوی طرح‌ها و برنامه‌ها
برنامه‌ریزی جامع	۱۹۶۰-۱۹۲۰	- خردگرایی پوزیتیویسم - مدیریت متمرکز دولتی	- توسعه‌ی کلان اقتصادی - سازماندهی کالبدی	- طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای - طرح‌های جامع و تفصیلی
برنامه‌ریزی سیستمی	۱۹۸۰-۱۹۶۰	- نگرش سیستمی به جهان - مدیریت علمی سیستم‌ها	- بهسازی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی - هدایت و نظارت سیستم شهر	- مدل سازی سیستم‌های شهری - طرح‌های بلند مدت - طرح‌های ساختاری محلی
برنامه‌ریزی راهبردی (دموکراتیک)	۱۹۸۰ به بعد	- نگرش راهبردی - دموکراسی و خرد جمعی - ارزش‌های بومی و محلی	- تأمین توسعه پایدار - تأمین عدالت اجتماعی - مدیریت مشارکتی	- سلسله مراتب طرح‌ها - انواع طرح‌های محلی - پروژه‌های طراحی شهری

جدول شماره ۲-۱۳- تحول پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم



**۲-۱۵- اصول راهبرد توسعه شهر**

اصول راهبرد توسعه شهر طبق (جدول شماره ۲-۱۴) عبارتست از:

اصول راهبرد توسعه شهر
در یک تعریف اولیه و ساده راهبرد توسعه‌ی شهر عبارتست از یک برنامه عملی برای توسعه متعادل در شهرها، توسعه و پایداری که از طریق مشارکت، برای بهبود کیفیت زندگی برای همه شهروندان حاصل می‌شود (Eiveida، ۲۰۰۹: ۳ به نقل از رهنما، ۱۳۹۱).
اصول راهبرد توسعه شهری به شرح زیر می‌باشد:
۱- حکمروایی خوب شهری
۲- بانک‌پذیری (قابل بانکی بودن)
۳- قابل زندگی بودن
۴- رقابتی بودن (رهنما و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول شماره ۲-۱۴- اصول راهبرد توسعه شهر

۲-۱۶- شاخص‌های اصول راهبرد شهر

شاخص‌های اصول راهبرد شهر طبق (جدول شماره ۲-۱۵) عبارتست از:

شاخص‌های اصول راهبرد شهر		
شاخص	گویه	
۱- حکمروایی خوب شهری	مشارکت	
	پاسخگویی	
	چارچوب قانونی برای توسعه	
	شفافیت اطلاعات	
شاخص	ابعاد	گویه
۲- بانک‌پذیری	با رویکرد فناوری اطلاعات	زیرساخت‌های ارتباطی
		زیرساخت‌های مالی
		زیرساخت‌های آموزشی
		زیرساخت‌های امنیتی
	مالیه شهری	کارایی اقتصادی
		عدالت
		عایدی مناسب
		پذیرش از نظر شهروندان
شاخص	ابعاد	
۳- زیست‌پذیری (قابل زندگی بودن)	اقتصادی	مشکلات اقتصادی
		فقر
		امنیت اجتماعی
	اجتماعی	اشتغال و مسکن
		حمل و نقل
		امکانات فرهنگی
		زیبایی ساختمان‌ها و خیابان‌ها
	زیرساختی	فضای سبز و امکانات ورزشی
		خدمات بهداشتی
		رضایت از زندگی
رویکرد ذهنی	تندرستی روانی	
	حس ایمنی	
	ادراک جرم و جنایت	





شاخص	ابعاد	گویه
۴- رقابت‌پذیری (قابل رقابت بودن)	ظرفیت‌های سازمانی	مدیریت کارآمد
		استعدادهای بالقوه
		تعادل زمانی
		ارزیابی
		ارتباطات تخصصی
		نظارت
	زیرساخت‌ها	
	منابع انسانی	

جدول شماره ۲-۱۵ - شاخص‌های اصول راهبرد شهر

۲-۱۷- فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر

مراحل فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر طبق (جدول شماره ۲-۱۶) عبارتست از:

فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر
<ul style="list-style-type: none"> ❖ مرحله اول: آماده‌سازی ❖ مرحله دوم: تدوین بیانیه‌ی چشم‌انداز ❖ مرحله سوم: تدوین بیانیه‌ی راهبردها ❖ مرحله چهارم: تدوین برنامه اجرایی (برنامه‌ی اقدام)
<p>مرحله اول؛ آماده‌سازی: در این مرحله اولین اقدام شناسایی طرف‌های ذینفع، نحوه‌ی مشارکت، روش‌ها و ابزارهای مشارکت، چگونگی استفاده از تجارب آنها، میزان قدرت و نوع خواسته‌ها و نظرات آنها است. ابزار اصلی در این مرحله تشکیل کارگاه‌ها می‌باشد.</p> <p>در این مرحله تشکیل کمیته‌ای از مسؤولان تهیه‌ی طرح الزامی است. وظایف این کمیته به طور کلی عبارت است از: تدقیق برنامه‌ی پیشبرد کار، تقسیم کار و تعیین مسؤلیت‌ها، زمان‌بندی، تأمین منابع، تعیین فرآیند حل مناقشات، نظارت دقیق بر اجرای کار، تشکیل کارگاه‌ها، جمع‌بندی و تهیه‌ی گزارش از روند کار، آموزش و ظرفیت‌سازی.</p>
<p>مرحله دوم؛ تدوین بیانیه‌ی چشم‌انداز: دستیابی به چشم‌انداز مستلزم شناخت از وضع موجود شهر است. اهم موضوعات مورد مطالعه برای دستیابی به این شناخت شامل اقتصاد شهر، باز‌نمایی فقر، وضعیت مسکن، وضعیت محیط‌زیست، زیرساخت‌ها، حمل و نقل و خدمات شهری، مدیریت شهری، منابع مالی می‌شود همچنین چشم‌اندازهای گذشته و موجود در گزارش وضع موجود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.</p> <p>تحلیل وضع موجود که در نهایت نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را (SWOT) منعکس می‌کند، هم‌زمان با شناخت از چشم‌اندازهای گذشته و موجود و رایزنی با گروه‌های ذینفع در کارگاه‌ها به شناسایی و ترسیم چشم‌اندازهای متعدد برای توسعه‌ی شهر می‌انجامد.</p>
<p>مرحله سوم؛ تدوین راهبردها: این مرحله، شامل موارد زیر می‌شود:</p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهکارها ❖ مشخص کردن راهبردهای دارای اولویت ❖ تعیین سنجه‌های کارکرد و موفقیت ❖ تدوین چارچوب زمانی ❖ تعیین مسؤلیت پایش ❖ تعیین طرح‌های اجرایی برای هر راهبرد انتخابی ❖ تدوین بیانیه‌ی راهبرد توسعه‌ی شهری
<p>مرحله چهارم؛ تدوین برنامه‌ی اقدام: در این مرحله، برنامه‌ی اقدام تدوین می‌شود.</p> <p>بدون مشخص کردن ساز و کار اجرایی، راهبرد توسعه شهر موفق نخواهد بود. برای تدوین برنامه‌ی اجرایی لازم است گروه ویژه‌ی اجرا تشکیل شود که حتماً بخشی از اعضای گروه اولیه‌ی تهیه‌ی کننده‌ی طرح در آن شرکت خواهند داشت (مهندسان مشاور شهر و خانه، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۳).</p>

جدول شماره ۲-۱۶ - فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهر



**۲-۱۸- نظریه‌های مشارکتی**

انواع نظریه‌های مشارکتی طبق (جدول شماره ۲-۱۷) عبارتست از:

نظریه‌های مشارکتی
<p>نظریه مشارکتی جان ترنر (John Turner)</p> <p>جان ترنر از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی، نظریات عمده‌ای را در این باب ارائه نموده است وی با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه پردازی‌های عمیق خود، انواع مشارکت را به طور اصولی و علمی طبقه‌بندی کرده و نظریه مربوط به آن را بیش از پیش عملی و قابل فهم گردانیده است. تحقیقات ترنر و دیگران نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود. وی با طبقه‌بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی به شکل‌گیری نظریه مشارکت کرده است.</p> <p>طبقه‌بندی مشارکت از نگاه جان ترنر:</p> <p>۱- در حالت اول دولت به شکل متمرکز عملکرده و نیازی به مشارکت مردم احساس نمی‌کند. از این جمله دولت‌ها می‌توان به کشورهای عربی اشاره کرد.</p> <p>۲- در این حالت دولت مقتدر و متمرکز ولی ثروتمند نیست. دولت به زور و یا با تشویق، از مردم می‌خواهد کار مجانی در طرح‌های زیر هدایت دولت انجام دهند، و یا پول اهدا کنند و دولت خود اقدام به انجام طرح‌های عمرانی می‌کند.</p> <p>۳- در این حالت دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در تمام اموری که مربوط به آنها می‌شود است. در حالیکه دولت هزینه‌های عمرانی را از ثروت ملی می‌پردازد. مانند حکومت‌های متکی بر مشارکت و دموکراسی از جمله کشورهای اسکاندیناوی</p> <p>۴- دولت دخالتی در امور محلی نمی‌کند. خود مردم از طریق ارگان‌های مردمی که تشکیل می‌دهند، هم منابع ملی را برای انجام توسعه فراهم می‌کنند و هم خودشان در تمام امور محلی تصمیم می‌گیرند: همانند شمال قاره اروپا و آمریکا.</p> <p>آخرین نظریات بر این امر تاکید دارد دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند.</p>
<p>نظریه مشارکتی جیمز میچلی (James Midgley)</p> <p>میچلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند.</p> <p>۱- شیوه ضد مشارکتی طرفداران این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند نمی‌دهد.</p> <p>۲- شیوه مشارکت هدایت‌کننده در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود. در مجموع دولت‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکت هدایت شده اهداف زیر را دنبال می‌کنند:</p> <p>۱- استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرح‌های عمرانی</p> <p>۲- کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی</p> <p>۳- استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی- اجتماعی</p> <p>۴- شیوه مشارکت فزاینده</p> <p>در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می‌کند. به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌شود.</p> <p>۳- شیوه مشارکت واقعی در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوه دولت متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی و ... و هماهنگی در تصمیمات مرکزی و محله‌ای است.</p>
<p>نظریه‌ی مشارکتی شری ارنشتاین (Sherry Arnstien)</p> <p>در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد.</p> <p>نردبان مشارکت ارنشتاین دارای پله‌های زیر است.</p>





درجات قدرت	نوع و سطح دخالت شهروندان	پله‌های نردبان مشارکت شهروندی
محرومیت از مشارکت	تشکیل کمیته‌های فرمایشی	فریب‌کاری Manipulation
	آموزش/ درمان شهروندان به وسیله صاحبان قدرت	درمان Therapy
مشارکت جزئی	تعیین حقوق شهروندان	اطلاع‌رسانی Information
	دیدگاه‌های شهروندان شنیده می‌شود ولی لزوماً ممکن است مورد توجه قرار نگیرد.	مشاوره Consultation
	پیشنهاد‌های شهروندان دریافت می‌شود ولی الزاماً براساس آن عمل نمی‌شود.	آرامش بخشیدن Placation
قدرت شهروندان	پذیرش مصالحه و برقراری توازن	شراکت Partnership
	قدرت مدیریت در تمام یا بخشی از برنامه، به شهروندان داده می‌شود.	قدرت تفویضی Delegated Power
	-	اختیار شهروندان Citizen Control

نظریه‌ی مشارکتی اسکات دیویسون (Scott Davison)

اسکات دیویسون، گردونه‌ی مشارکت خود را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه سطوح مختلفی از مشارکت را بدون اینکه ترجیحی برای هر یک قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت صورت می‌گیرد. هر چند که دیویسون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند تقدم و تأخر خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره‌ی گردونه به جای نردبان استفاده می‌کند، اما به هر حال سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارتند از:

- ۱- اطلاع‌رسانی
- ۲- مشاوره
- ۳- مشارکت
- ۴- توانمندسازی

دسته‌بندی نظریه‌ها با توجه به شرایط ایران

با توجه به شرایط ایران نظریه‌های مشارکتی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- مشارکت شعاری
- ۲- مشارکت محدود
- ۳- مشارکت واقعی

۱- مشارکت شعاری

در واقع مشارکت محسوب نمی‌شود بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی، نه تأمین منافع مردم، بلکه تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی است. علت اصلی توسل به مشارکت کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه سهولت اجرای طرح است. هیچ سهمی از اختیارات تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به مردم واگذار نمی‌شود. کمترین اطلاعات ممکن درباره طرح به مردم داده می‌شود و اطلاعاتی هم که منتشر می‌شود، تنها در بردارنده‌ی آثار مثبت و قوت طرح است و از آثار منفی سخنی به میان نمی‌آید و اساساً وجود هرگونه آثار منفی در طرح نفی می‌گردد.

۲- مشارکت محدود

نیت اصلی تأمین منافع مردم است، تا جایی که با منافع دولت و مراجع برنامه‌ریزی تضاد پیدا نکند. سهمی از تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری واگذار نمی‌شود. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند، اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته‌های خود را پیگیری نمایند. مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود. جریان اطلاعات از پایین به بالاست؛ یعنی اطلاعات از مردم به برنامه‌ریزان منتقل می‌شود. دامنه‌ی مشارکت، محدود است و به مشارکت در تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و نظرخواهی از مردم برای بعضی موارد مورد برنامه‌ریزی منحصر می‌شود.

۳- مشارکت واقعی

نیت اصلی تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. هزینه‌های این امر، توسط دولت یا سازمان پشتیبان طرح تأمین می‌شود. در تصمیم‌گیری مشارکت دارند. علاوه بر این حق اظهار نظر دارند، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر اجرای خواسته‌هایشان را نیز دارند. مشارکت علاوه بر آنکه ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها تلقی می‌شود، به عنوان هدف نیز قلمداد می‌شود و موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی می‌گردد. جریان اطلاعات دو سویه و فعال است و مراجع برنامه‌ریزی و مردم هر دو اطلاعاتشان را در اختیار هم می‌گذارند.

جدول شماره ۲-۱۷- نظریه‌های مشارکتی



**۲-۱۹- طبقه‌بندی سطوح مشارکت**

طبقه‌بندی سطوح مشارکت طبق (جدول شماره ۲-۱۸ و ۲-۱۹) عبارتست از:

طبقه‌بندی سطوح مشارکت	
گستره چهار سطحی پریسکولی (Delli Priscoli) پریسکولی و جه تمایز شیوه‌های مشارکتی را در میزان تأثیرگذاری و سهم مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌ها می‌داند. نکته این است که باید شیوه‌های مناسب با رابطه و کار مردم مشخص کرد.	
پریسکولی مشارکت را در چهار سطح تعریف می‌کند:	
۱- آگاهی در مورد تصمیمات	
۲- شنیدن نظرات پیش از تصمیم‌گیری	
۳- تأثیرگذاری بر تصمیمات	
۴- تصمیم‌سازی موافقت با تصمیمات	
گستره پنج‌سطحی انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، IAP2 (The International Association for Public Participation)	
مشارکت را در پنج سطح بر اساس افزایش تأثیرگذاری به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌کند:	
۱- آگاهی رسانی	Inform
۲- مشورت	Consult
۳- درگیر ساختن مردم	Involve
۴- همکاری با مردم	Collaborate
۵- توانمندسازی	Empower

جدول شماره ۲-۱۸- طبقه‌بندی سطوح مشارکت

آگاهی‌رسانی Inform	مشورت Consult	درگیر ساختن مردم Involve	همکاری با مردم Collaborate	توانمندسازی Empower	اهداف مشارکت
تأمین اطلاعات جامع و عینی به منظور کمک به مردم در فهم مشکلات، گزینه‌ها، فرصت‌ها و یا راه‌حل‌ها	گرفتن بازخوردها از مردم در زمینه تحلیل‌ها، آلترناتیوها و یا تصمیمات	کار مستقیم با مردم در تمام طول فرایند، به منظور دادن اطمینان به مردم که نگرانی‌ها و علایق آنها به شکلی مداوم در تمامی فرایند در نظر گرفته خواهد شد.	شریک بودن با مردم در تمامی ابعاد تصمیم‌گیری، شامل تکوین آلترناتیوها و تعیین راه‌حل‌های منتخب	دادن اختیار تصمیم‌سازی نهایی به مردم	اهداف مشارکت
۱: آگاه ساختن مردم	۱: آگاه ساختن مردم ۲: گوش کردن به نگرانی‌ها و خواست‌های مردم ۳: گرفتن بازخوردها	۱: کار مستقیم با مردم ۲: در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و خواست‌های مردم در آلترناتیوها ۳: گرفتن بازخوردها	۱: در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و ابداعات مردم در تدوین راه‌حل‌ها و گنجاندن پیشنهادهای مردم در تصمیمات، در بیشترین حد امکان	۱: اجرای تصمیماتی که مردم گرفته‌اند.	تعهدات مسئولان به مردم

منبع: (accessed) <http://iap2.org/practitionertools/index.shtml> (in 2009.09.12)

جدول شماره ۲-۱۹- گستره پنج سطحی (افزایش سطح تأثیرگذاری شهروندان انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی، IAP2)





۲-۲-۲- مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم

مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم طبق (جدول شماره ۲-۲۰) عبارتست از:

مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم
۱- شناخت و تحلیل وضعیت
۲- تصمیم‌سازی و انتخاب
۳- برنامه‌ریزی و طراحی
۴- اجرا و نگهداری
۵- پایش و ارزیابی

جدول شماره ۲-۲۰- مراحل تحقق مشارکت فعال و آگاهانه مردم

۲-۲-۱- الگوهای سازمانی مشارکت

الگوهای سازمانی مشارکت طبق (جدول شماره ۲-۲۱) عبارتست از:

الگوهای سازمانی مشارکت
<p>۱- الگوی سازمانی مشارکت سازمان‌یافته</p> <p>در جامعه امروز ما نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) وزن بیشتری به الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان‌یافته (رسمی، برنامه‌ریزی شده و نهادی) داده‌اند.</p> <p>در قانون اساسی ایران ۵ رکن تصمیم‌گیری شامل رهبری؛ قوه مقننه؛ قوه مجریه؛ قوه قضاییه و شوراهای شهر و روستا دیده شده است. وظیفه رکن شورا؛ مسئولیت تصمیم‌گیری در امور محلی و همچنین نظارت بر اجرای تصمیمات شورا و برنامه‌های محلی دولت است. شوراها بر مبنای افزایش مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی و اجرا تشکیل شده‌اند. اگرچه در حال حاضر از رسالت تعیین شده در قانون اساسی فاصله بسیار زیادی دارند اما در مجموعه اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ویژگی‌های تعریف شده بدون حضور فعال شوراها میسر نخواهد شد.</p> <p>در سراسر جهان ۱۸۶ کشور دارای دولت مستقل و از این تعداد ۱۲۰ کشور دارای شوراهای محلی و یا حکومت‌های مستقل هستند. در همه کشورها شوراها با هدف اجرای سیاست‌های تمرکززدایی و تفویض قدرت تشکیل شده‌اند.</p> <p>کشور پاکستان نیز یکی از کشورهایی است که در قانون اساسی خود سه سطح حکومتی وجود دارد که نهادهای محلی یا شوراها در سطح سوم قرار دارند.</p> <p>تعداد شوراهای محلی مناطق شهری در پاکستان به شرح ذیل است:</p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ دو اتحادیه مادر شهر (کراچی و لاهور) ❖ ۱۵ اتحادیه شهری ❖ ۱۵۶ کمیته شهری ❖ ۲۰ هیأت نظامی (اردوگاه‌های دائمی) ❖ ۳۰۱ کمیته شهری (شهرهای کوچک فاقد مدیریت محلی) <p>در مجموع شوراها به توفیق دست نیافتند. که مهمترین دلیل آن مدیران محلی بود که دارای اختیارات کامل بوده ولی به دلیل وابستگی به حکومت مرکزی در تأمین اهداف شورایی قصور کردند.</p> <p>تشکیل شورایی‌ها و سراهای محله در شهر تهران (نمونه موردی)</p> <p>مستند قانونی در اجرایی کردن نهاد مدیریت محله- مصوبه بیست و دومین جلسه شورای بازنگری، اصلاح و هماهنگی نظامات برنامه‌ریزی و اجرایی شهرداری تهران است. این مصوبه بر قوانین ملی و تصمیمات شورای اسلامی شهر تهران به شرح زیر استوار است:</p> <ul style="list-style-type: none"> ❖ وظایف و نقش شهرداری تهران در گسترش مشارکت و حضور در عرصه‌های مختلف و سیاست محله محوری (برنامه پنج ساله) ❖ در راستای تحقق مفاد بندهای ۲ و ۵ و ۷ مندرج در ماده ۷۱ قانون وظایف و تشکیلات شورای اسلامی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی <p>در چارچوب مستندات فوق هدف از تشکیل مدیریت محله " مهیا کردن شرایط و زمینه‌های قانونی، اجرایی و تشکیلاتی لازم در جهت شکل‌گیری مشارکت آگاهانه، معنادار، قاعده‌مند و پایدار و استفاده بهینه مدیریت شهری از سرمایه اجتماعی است.</p>





طبق اسناد موجود جایگاه سراهای محلات نیز بر اساس "رویکرد محله محور" تعیین شده است. در این اسناد تاکید شده که "طبق تجربه مدیریت شهری تهران بزرگ برنامه‌ریزی محله‌ای برای دستیابی به هدف جدی مشارکت شهروندی و فراهم نمودن کیفیت مطلوب زندگی شهری، ایفای نقش در کنترل آسیب‌های اجتماعی محله، یاری‌رسانی به گروه‌های آسیب‌پذیر، سامان‌دهی در بحران‌ها با حفظ آمادگی، زیباسازی و نگهداشت بهینه محله و آثار هویتی و بالاخره افزایش خود آگاهی‌ها و آموزش، ... در دستور کار قرار گرفته است. همچنین هدف دیگر تمرکززدایی همراه با فراهم آوردن امکان نظارت بیشتر، مشارکت از پایین به بالا و مردم سالاری راستین، حذف بوروکراسی، افزایش شفافیت و پاسخگویی، ... پیامدهای مورد انتظار چنین فرآیندی تعیین شده است.

برای اجرایی نمودن این مصوبات "در حال حاضر ۳۷۴ مدیریت محله در تهران تشکیل شده که هر یک از آنها ۱۳ خانه را راه‌اندازی کرده‌اند و هر یک از این خانه‌ها هم کانون‌های متنوعی را- به طور میانگین بین ۷ تا ۸ کانون- در زیر مجموعه خود شکل داده‌اند.

۲- الگوی سازمانی مشارکت خود جوش

از آنجا که در جامعه جهان سوم، بویژه بخش توسعه نیافته آن، فرهنگ مشارکتی هنجارهای فرهنگی مربوط به مشارکت هنوز به طور شایسته شکل نگرفته است، نقش الگوی سازمانی مشارکت رسمی و سازمان یافته اهمیت بیشتری دارد.

❖ دلیل اصلی این است که مشارکت خود جوش، داوطلبانه و سازمان نیافته هنگامی شکل می‌گیرد که «فرهنگ مشارکتی» قوی شکل گرفته باشد و مشارکت توانسته باشد تبدیل به «هنجار فرهنگی» شود.

❖ الگوی خودجوش مشارکت به عنوان سیستم مؤثر مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندی در مقابل الگوی سازماندهی شده مشارکت، مانند شوراهای شهر یا محله می‌توان در راستای فرهنگ‌سازی برای مشارکت خودجوش و مردمی تلاش کرد.

شرایط عمده‌ای در موفقیت نهادینه کردن مشارکت مردم مؤثر است به قرار زیر است:

۱- ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)

۲- نهادهای مناسب (بعد سازمانی)

۳- آموزش و اطلاع‌رسانی (بعد اجتماعی و ارتباطی)

۴- منابع مناسب مادی و فنی (بعد عملیاتی)

جدول شماره ۲-۲۱- الگوهای سازمانی مشارکت

۲-۲۲- بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت

بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت طبق (جدول شماره ۲-۲۲) عبارتست از:

بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت

۱- اعتماد سازی:

مردم فراتر از شعارهایی که در باب حضور و مشارکت مطرح می‌گردد واقعاً باید به این باور برسند که مسئولین در عرصه‌ی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری‌هایشان نیازهای اساسی، مهم و نقطه نظرات آنها را مد نظر دارند و اینگونه نیست که تنها هنگام نیاز به همیاری و شرکت آنها در تأمین هزینه‌ی پروژه‌های به مشارکت خوانده شوند.

۲- تحلیل هزینه- فایده جهت مشارکت:

ارائه‌ی تحلیل‌های ساده و واقعی از مقایسه‌ی هزینه و فایده‌ی مشارکت در امور مختلف از سوی مسئولین، این امکان را فراهم می‌نماید که مردم دریابند که سودمندی حضور و شرکت فعال (اعم از مشارکت مادی یا معنوی) آنها در مقاطع مختلف طرح‌ها، پروژه‌ها و تصمیم‌گیری‌های شهر بسیار بیش از هزینه‌های گوناگون پرداختی آنان در فرایند مشارکت است.

۳- آموزش:

آموزش حقوق و تکالیف برای مدیریت یک اهتمام بلند مدت و بی‌وقفه محسوب می‌شود. که در این عرصه مردم از طریق نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌های عمومی با حقوق خود در عرصه‌های شهر و اجتماع آشنا می‌گردند و به موازات آن مسئولیت‌های خویش را نیز خواهد شناخت.

جدول شماره ۲-۲۲- بسترهای لازم به منظور تحقق مشارکت





۲-۲۳- راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت

راهبردها و خط‌مشی‌های مشارکت طبق (جدول شماره ۲-۲۳) عبارتست از:

راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت
<p>مشارکت مردمی به عنوان عنصر مهم مدیریتی در جهان امروز مطرح است؛ زیرا مسائل و پیچیدگی‌های به ویژه کلان‌شهرها به حدی است که هیچ مدیر تیزبین و مقتدری هم نمی‌تواند به تنهایی آن را تحت کنترل درآورد. امروز مفهوم جدیدی به نام حقوق شهروندی و مشارکت در جوامع مطرح است که توسعه‌ی مدیریت شهری، تحول مشارکتی، آموزش، تحول و پایداری و توسعه‌یافتگی با آن ارتباط مستقیم دارد. این در حالی است که هنوز نگاه مدیران ما به نگاهی تکلیف مدار است و به آنان به عنوان ساکنان منفعل نگاه می‌شود، آن هم بدون دخالت دادن آنان در تصمیم‌گیری و خبررسانی شفاف. شاید به همین دلیل است که مردم نیز شهر را چندان متعلق به خود نمی‌دانند و در رفع مشکلات آن چاره‌ای نمی‌اندیشند. این در حالی است که مدیریت هر شهر به سه عنصر مردم، شهر و شهرداری بستگی دارد.</p> <p>در راستای تحقق واقعی و جلب مشارکت‌های مؤثر مردمی، مهمترین اقدامات در راستای مدیریت شهری، عبارتند از:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱- برقراری جریان آزاد تبادل اطلاعات در عرصه شهر ۲- شفاف‌سازی قوانین و مقررات (در فرآیند آموزش و اطلاع‌رسانی)، بررسی نقاط قوت و نقاط ضعف قوانین موجود. ۳- روان‌سازی امور و ارتقای کیفیت خدمات ارائه شده در امور شهری، از طریق مکانیزه نمودن مراحل گردش کار اداری و پاسخگویی فعال به شهروندان. ۴- تبیین سیاست‌های مدیریت با ترسیم روشن اهداف (درازمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت) و روش‌های دستیابی به آنها و توجه راهکارهای انتخاب شده. ۵- بسترسازی جهت تشکل‌های مردمی، هدایت و تقویت آنها و استخراج و بکارگیری دستاوردهای حاصل شده از فعالیت‌های آنان در مراحل مختلف تدوین و اجرای طرح‌های شهری.

جدول شماره ۲-۲۳- راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای مشارکت

– **خانم دکتر پورشاد:** شما نمی‌توانید انسان‌ها را به خودی خود داوطلب کنید، سازمان‌هایی را که می‌خواهند با شما همکاری کنند را نمی‌توانید به اجبار وادار به همکاری و داوطلب کنید چون می‌خواهید یک کار توسعه‌ای انجام دهید! آن افراد، سازمان‌ها و جامعه هدف در یک فرآیند آگاهانه باید دانش‌شان ارتقاء پیدا کند، آگاه شوند و سپس داوطلبانه با شما مشارکت کنند. وقتی گفته می‌شود فرآیند آگاهانه یعنی به مباحث ظرفیت‌سازی فکر می‌کنیم. ما مجبور هستیم جامعه هدفمان را آموزش بدهیم، ممکن است آن را برای بازدید یک پروژه ببریم تا آگاه شود، ممکن است در یک جلسه آن را به بحث و گفتگو بگیریم تا آگاه شود در آن صورت با شما مشارکت می‌کند.

قدم اول در بحث مشارکت آگاهی و اطلاع‌رسانی است، قدم بعد ایجاد فضاها و انگیزه‌های روحیه داوطلبی است وقتی این دو قدم شکل گرفت، همکاری اتفاق می‌افتد و خرد جمعی شکل می‌گیرد چون می‌خواهد با شما هم‌فکری کند که کاری انجام دهد بنابراین عملاً در یک جریان تفکر و نشست‌های جمعی شرکت می‌کند، هماهنگی و توافق ایجاد می‌کند و در بقیه موارد درگیری ذهنی بصورت تمام و کمال اتفاق می‌افتد.

– **آقای مهندس شهوازی:** ما مشارکت را تقسیم‌بندی کردیم، یعنی انواعی برای آن در نظر گرفتیم مشارکت آگاهانه که حرکت داوطلبانه از آن ایجاد می‌شود و مشارکت ترغیبی یا تشویقی که ممکن است فرآیندی آگاهانه نباشد اما مؤثر است و وجود دارد، بحثی هم بین ما وجود داشت که به اجماع نرسیدیم، آن بخش‌هایی از سؤال که اجباری است یعنی یک فعالیت جنبی شکل می‌گیرد ولی اجبارانه.





– **خانم دکتر پورشاد:** مشارکتی که فرآیند آن آگاهانه است و حرکت داوطلبانه ایجاد می‌کند و مشارکت ترغیبی و تشویقی و مشارکت نوع سوم که ناشی از حرکت‌های اجباری است برای رسیدن به هدف‌های مشترک. بصورت قطعی و حتمی و صددرصد اینها مشارکت نیست. مشارکت فرآیندی آگاهانه است.

بسیج مردمی با ابزار مالی اتفاق می‌افتد، پول ابزار قدرت است، شما می‌توانید با دادن امتیازها و بسته‌های تشویقی مردم را به مشارکت بگیری و ولی این مشارکت پایدار نخواهد بود، اگر بسته تشویقی از آنها گرفته شود دیگر مشارکت وجود ندارد.

مثلاً گفته می‌شود مردم نوسازی انجام دهند بسته تشویقی مثلاً شامل صدور پروانه رایگان خواهد بود یا سرمایه‌گذاری صورت بگیرد سهم سرمایه‌گذار ۴۰ درصد و سهم مردم ۶۰ درصد به عنوان تشویق باشد تمام ابزار را در اختیار آنها قرار می‌دهید پس چرا نوسازی اتفاق نمی‌افتد و اگر هم اتفاق بیفتد چرا دچار ایجاد تضاد و ایجاد تقابل در جامعه می‌شود؟

بنابراین ترغیب افراد به مشارکت فقط از طریق اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی درست اتفاق می‌افتد.

– **آقای مهندس کاظمی:** ببخشید به نظر من مشارکت در وهله اول، مشارکت فکری و اندیشه است. یعنی اگر فکر و اندیشه کسی نخواهد کاری را انجام دهد حتی با بسته‌های تشویقی هم نمی‌توان کاری از پیش برد.

– **خانم دکتر پورشاد:** درست است این همان چیزی است که خدمت شما عرض کردم. در فرآیند آگاهانه که آموزش صورت می‌گیرد، ظرفیت‌سازی صورت می‌گیرد و وارد تعاملات می‌شوید یک اتفاق بسیار کوچک و حساس و لبریزی می‌افتد و آن هم تغییر نگرش است، در بحث مشارکت نباید دنبال یک ایده‌آل باشید، مثلاً بگوئید این کار انجام شده است پس چرا فقط ۳ نفر استقبال می‌کنند چرا هزار نفر استقبال نمی‌کنند؟ چون تغییر نگرش و تغییر درک ما از موضوعات پایه‌ای در جامعه محلی و در سطح سازمانی با هم متفاوت است، حضور افراد در بحث‌های فرآیندی مشارکت متفاوت خواهد بود.

یک مورد در بحث اطلاع‌رسانی و آگاهی‌رسانی خدمت شما عرض می‌کنم، وقتی فرد داوطلب شد (فرقی نمی‌کند سازمانی یا در سطح محلی) به چهار دسته تقسیم می‌شوند افرادی که می‌خواهند داوطلب شوند، آگاه شده‌اند و در حال حاضر می‌خواهند که با شما کار کنند ولی همین افراد به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۱- افراد دلی و سازمان‌هایی که تمایل به مشارکت برای اجرای برنامه‌ها و اهداف خود دارند. مثلاً بدون اینکه از شما انتظار پول و تشویق و دیده شدن داشته باشند با شما قدم می‌زنند، با شما حرکت می‌کنند، به این افراد افراد دلی می‌گویند که بسیار بسیار انسان‌های شکننده‌ای هستند که اگر برنامه نداشته باشد شما را ترک می‌کند، یعنی افراد دلی را نمی‌توان ۱۰ جلسه دور یک میز نشاند هر بار هم چیزی گفته شود و دست آخر هم چیزی از آن در نیاید! سازمان‌هایی که برنامه‌ها و اهداف هم راستا با شما دارند یعنی سیستم برنده برنده هستند، با تمام وجود وارد کار می‌شوند، لازم به یادآوری است که این موارد در فرآیند آگاهانه است، یعنی افراد آموزش دیده‌اند، آگاه شده‌اند و حال می‌خواهند مشارکت کنند و داوطلب شده‌اند.

۲- افراد و سازمان‌هایی که می‌خواهند دیده شوند، آنها پول یا امکانات نمی‌خواهند، فقط دوست دارند که نام آنها گفته شود، مثلاً پیشنهاد می‌دهد که صددرصد با اهداف کاری مشارکت می‌کند به شرط اینکه لوگوی من در پایین کار آورده شود. در بعد فردی تشویق می‌خواهد مثلاً در یک جمعی گفته شود اگر خانم یا آقای فلانی نبود این اهداف بدست نمی‌آمد. یا در یک سمینار یا بزرگداشتی یا مناسبتی لوح تقدیر به آن سازمان یا افراد اهدا شود (دیده شدن).

۳- سازمان‌هایی که داوطلب هستند و به دنبال جذب منافع مالی هستند. بسیار راحت قابل شناسایی هستند. متنی را مدتی قبل خواندم که نوشته بود در یک جمع کارشناسی که همه مسلط به کار هستند می‌خواهند به مرحله اقدام برسند، اگر آن جمع به شما گفت که خوب چه فایده؟ و چه سودی برای ما دارد؟ نشان دهنده این است که آن جامعه رو به پس رفت دارد و رو به پیشرفت نیست. یعنی یک بازگشت به صد سال قبل وجود دارد که افراد برای منافع مادی و شخصی خود سرمایه‌گذاری





می‌کردند. در بعد فردی هم همین است، من در پروژه‌های در یکی از استان‌ها کار می‌کنم که می‌گویم تمام آسیب‌های اجتماعی و بحث سرمایه اجتماعی که در کشور ما مطرح است به واسطه یک سابقه تاریخی است که مردم آنجا به این صورت درآمده‌اند. هفت سال است که در آنجا مشغول به کار هستم، هفت سال همه می‌دانند که چه اتفاقی قرار است که بیافتد کار انجام می‌شود، پروژه موفق و نمونه و درس آموخته‌های موفق ملی و جهانی میشود. فکر می‌کنید در پایان به من چه گفتند؟ گفتند: کار که انجام شد ولی چیزی به ما نرسید! هر چقدر هم که آنها آگاه می‌شوند، آموزش می‌بینند، ظرفیت‌شان ارتقاء پیدا می‌کند، درکشان از موضوع متفاوت شده است ولی در آخر باز هم می‌گویند چه فایده حتی یک سکه هم به ما ندادند!

۴- افرادی هستند که دنبال پست مثلاً پست‌های سازمانی یا ارتقاء هستند. در بعد فردی ایرادی ندارد که در سطح محلی، مردم عنوان بگیرند، ولی این عنوان نباید ایجاد دیکتاتوری و نگاه از بالا به پایین کند، باید به تسهیل و روان کردن فعالیت‌ها کمک کند. در بعد سازمانی افرادی که دور میز می‌نشینند اگر دنبال ارتقاء پست و مقام هستند باید به آن سمت حرکت کنیم که آنها ارتقاء پیدا کنند! چون اگر بالا نروند ایجاد مانع می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که حرکت توسعه‌ای اتفاق بیفتد، بنابراین شناسایی این افراد خیلی ساده است ولی مدیریت آنها بسیار سخت است. وقتی جنس نیروی داوطلب شناسایی شد که از کدام جنس است ولی نتوان مدیریتش کرد نیروی داوطلب از دست خواهد رفت، بنابراین این ابعاد و جنس افرادی که آگاهانه داوطلب می‌شوند را باید شناسایی و مدیریت کرد، در غیر اینصورت این افراد از دست می‌روند.

دسته اول یعنی داوطلبان دلی تا آخر با شما هستند ممکن است که بعضی وقت‌ها گله کنند، قهر کنند و ... ولی در نهایت با شما خواهند ماند. اینها نیروهای ارزشمندی هستند شاید به جرأت بتوانم بگویم در جمعی که می‌نشینیم و با هم صحبت می‌کنیم شاید ۲ یا ۳ نفر افراد دلسوز پیدا می‌شود که واقعاً پای کار بایستند و کار را پیش ببرند.

این بود تعریف مشارکت و یادمان نرود که پول ابزار قدرت، ابزار بسیج اجتماعی و ابزار تجمیع سازمان‌ها است. به شما قول می‌دهم اگر همین حالا در استانداری یک جلسه بگذاریم و بگوییم که ما یک میلیارد داریم و می‌خواهیم محله زیتون را آباد کنیم، هر دستگاهی برنامه بیاورد این مبلغ را به آن دستگاه خواهیم داد به شرطی که بتواند این افراد را دور هم جمع کند و یک برنامه مشترک ایجاد کند، مطمئناً از سوی سازمان‌ها بسیار استقبال می‌شود، حال در بعد محلی چه اتفاقی می‌افتد، به ساکنین می‌گوییم که می‌خواهیم کار توسعه‌ای انجام دهیم، شرط اول تشکیل گروه‌های محلی و تشکیل صندوق است، مبلغی در صندوق قرار می‌گیرد، هیچ کس از پول بلاعوض بدش نمی‌آید حتی در کشورهای توسعه یافته هم از پول بلاعوض بدشان نمی‌آید چه برسد به ما که ساختار اجتماعی مان به این سمت کشیده شده است، یعنی دست کارگر پر تلاش تبدیل به فردی شده است که دستش همیشه جلوی دیگران دراز شده است. بنابراین باید به این تعریف به یک هم‌نظری برسیم، حال این فرآیند همکاری، همفکری، هماهنگی و خیلی چیزهای دیگر ایجاد می‌کند.

– **خانم مهندس معصومی:** در یکی از مقالاتی که مطالعه می‌کردم بحث مشارکت را بیشتر به فعالیت فکری و ذهنی مربوط می‌دانستند، خواستم ببینم این موضوع صحت دارد یا مشارکت‌های مالی و زمینه‌های دیگر هم می‌تواند بعنوان مشارکت حساب شود؟

– **آقای مهندس شهوازی:** ما از مشارکت تشویقی یا ترغیبی صحبت کردیم، در کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه مثل ایران، اگر فقط بخواهیم بر فرآیند آگاهانه تأکید کنیم خیلی زمان بر خواهد بود و با توجه به تغییرات انقلابی که معمولاً در جهان انجام می‌شود، هیچ برنامه‌ای به سرانجام نرسیده و دوباره به نقطه صفر برمی‌گردیم و این موضوع زمان زیادی می‌برد و به این راحتی نیست، دیگر اینکه سه مورد از مواردی که به عنوان فعالیت داوطلبانه نوشته شده است باز هم تشویقی به حساب می‌آید.





– **خانم دکتر پورشاد:** بله این موضوعی که شما مطرح کردید یک بعد دیگر هم دارد که می‌خواهم به آن اشاره کنم.

در بعد فکری مشارکت انواع مختلفی دارد، گاهی شما برای انجام کاری نیاز به یک اتاق فکر و به یک اندیشکده دارید، افراد متخصص را جمع می‌کنید برای اینکه بتوانید مثلاً در مورد موضوع خاصی با هم هم‌فکری کنید، باز هم باید فرآیند اطلاع‌رسانی را در همان بعد اندیشکده و اتاق فکر انجام دهید و افراد را برای رسیدن به آن موضوع با خودتان هم‌فکر کنید، این امر محقق نمی‌شود بجز از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی، بازدید و ... تا به درک مشترک برسند، وقتی به درک مشترک رسیدند تازه می‌توان گفت اندیشکده‌ای فراهم شده است که متخصص‌های ما می‌توانند بر روی موضوعات مختلف با هم هم‌فکری و هم‌نظری و کار کنند.

تک‌تک افرادی که در بحث‌های تخصصی دور میز می‌نشینند هر کدامشان برای خودشان استادانی هستند که در سطح ملی و بین‌المللی مطرح هستند ولی هیچکدامشان با هم اشتراک حتی در مفاهیم ندارند، علتش فرآیندی است که طی نمی‌شود. وقتی فرآیند آگاهانه اتفاق افتاد، داوطلبانه بودن آنها بصورت خودجوش شکل می‌گیرد و تازه می‌توان شناسائی کرد.

نگفتم افرادی که دنبال منافع مالی هستند به آنها پول داده شود، گفتم شناسایی و مدیریت شوند. من مجبور هستم که این را هم بگویم که تغییر رفتار یک فرد نسبت به مشکلات جامعه، (یعنی چهار بعدی که گفته شد) باید فرآیندی را که توضیح می‌دهم طی نموده تا پله‌هایی که باید طی شود تا به آن فرد دلی برسند رشد کنند. این فرآیندها عبارتند از:

۱- افرادی که مشکلات را اصلاً نمی‌بینند و بی‌تفاوت هستند، مثلاً کودک کار را می‌بیند ولی بی‌تفاوت از کنار آن رد می‌شود، این افراد در جامعه ما بسیار کم هستند چون ما ایرانی‌ها در همه زمینه‌ها دوست داریم متخصص باشیم و نظر بدهیم، بنابراین راننده تاکسی ما، معضلات اجتماعی، مسائل سیاسی و بحران‌های اقتصادی ما را بخوبی می‌تواند در مورد آن صحبت و بحث کند، به همان اندازه کارشناس اجتماعی ما در موضوعات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند نظر بدهد.

حتی بچه‌های ما هم وارد این موضوعات می‌شوند، چون درگیری‌های لفظی، تکنولوژی، تلویزیون و ماهواره و ... رشد فکری آنها را در بحث‌های تحلیلی وارد می‌کند. بنابراین گروه اول بی‌تفاوت‌ها هستند و شاید یک درصد مردم ایران اینگونه‌اند.

۲- گروه دوم افرادی هستند که مشکلات را می‌بینند ولی رفع آنها را وظیفه دولت و شهرداری و سایر ارگان‌ها می‌داند. تعداد آنها بسیار زیاد است. یعنی به جرأت می‌توان گفت شاید ۹۴ تا ۹۵ درصد از افراد جامعه ما مشکلات را می‌بینند و بعد می‌گویند وظیفه دولت است. چون خود را به عنوان فردی که در جامعه زندگی می‌کند مسئول نمی‌دانند.

۳- افرادی هستند که مشکلات را می‌بینند ولی مهارت حل مسئله ندارد.

۴- افرادی هستند که مشکلات را می‌بینند، برای کسب مهارت در راستای حل مسئله اقدام کرده و در کلاس‌ها شرکت می‌کند.

۵- افرادی هستند که مهارت کسب کرده و اقدام می‌کنند. این گروه پنجم که داوطلب نامیده می‌شوند آن چهار موردی که قبلاً گفته شد را شامل می‌شوند.

ما در حال حاضر در دسته دوم قرار داریم، مثلاً در حاشیه‌های شهر در بافت‌های فرسوده، مثلاً شرکت آبفا در جایی مشکل را می‌بیند ولی وظیفه سازمانی خود نمی‌داند که مشکل را حل کند وظیفه سایر ارگان‌ها می‌داند. من در پروژه‌های در حاشیه شهر وارد شدم تا مشکلات منطقه را شناسایی کنم، گفتند که مشکل اصلی منطقه اعتیاد است، من با این ذهنیت به محله وارد شدم، دیدم محله‌ای پویا و فعال است و مردمی شریف و مهمان‌نواز و با سرمایه اجتماعی بالا دارد. همه همدیگر را می‌شناختند وقتی وارد بحث موضوعات مشکلات محله شدم، اولین مسئله و مشکلی که آنها به آن اشاره کردند وجود معلمان بی‌سوادی بود که به بچه‌هایشان درس می‌دادند. مادری گریه می‌کرد که دختر من کلاس پنجم است ولی جدول ضرب بلد نیست! و درخواست این را داشتند که معلمانی بیایند که مهارت علمی و یاددهی داشته باشند. مشکل دوم آنها در ارتباط با اعتیاد بود!





چون بقول خودشان آنجا معتاد و مواد فروش وجود نداشت ولی چون فضاهای بی‌دفاع در آن محله وجود داشت، پاتوق و مکانی می‌شدند برای این افراد که از مناطق و محله‌های دیگر می‌آمدند. چون در این منطقه باغ‌ها و زمین‌های رها شده، خانه‌هایی که خراب شده و فضاهای بی‌دفاعی ایجاد شده است برای این افراد. بنابراین وقتی به مسئله وارد می‌شویم موضوع متفاوت می‌شود. مثلاً همین الان که شما در این جلسه شرکت کرده‌اید این فرآیند، فرآیند مشارکت نیست ولی در حال طی کردن این مرحله هستید و در حال کسب مهارت هستید. ممکن است جریان برعکس شود یعنی در کلاس‌هایی بصورت ناخواسته شرکت کنید که حس داوطلبانه بودن و کمک را در شما ایجاد کند، فرآیند برعکس می‌شود، شما کسب مهارت می‌کنید، دانش شما ارتقاء پیدا می‌کند، نگرش شما تغییر می‌کند و در عرصه کار شروع به حل مسئله می‌کنید.

– آقای مهندس شهبازی: من هنوز با بحث آگاهانه بودن مشارکت مشکل دارم، مخالفتی با صحبت‌های شما ندارم ولی فکر می‌کنم فرآیند آگاهانه بودن در جامعه ما امکان‌پذیر نیست، در جایی باید اجبار باشد، یک مثال عینی بزنم، چند وقت پیش در منطقه محرومی که در واقع سکونتگاه غیررسمی بود و وضع ناهنجاری از نظر بهداشتی و زیرساختی داشت و هیچ دستگاهی هم حاضر نبود برای مشکلات آن مداخله کند، ما بصورت اجباری و بین بخشی چند دستگاه را بالاجبار یعنی اجبار حاکمیتی آنجا بردیم تا سیستم فاضلاب آنها را راه‌اندازی کردند، یک قدم برداشته شد، خود مردم هم آمدند و کمک کردند، اگر غیر از این بود این مسئله هنوز هم ادامه داشت.

– خانم دکتر پورشاد: ببینید از نظر جنس حکومتی و مدیریت دولتی، مدیریت برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری چهار دسته کشور داریم که در حال انجام موضوع مشارکت هستند.

۱- دولت‌هایی که به شکل متمرکز و عموماً پولدار هستند. اینها اصلاً وارد بحث مشارکت نمی‌شوند، آنها پول دارند و خودشان فکر و برنامه‌ریزی و کار می‌کنند، رفاه جامعه را ارتقاء می‌دهند، هر تصمیمی هم برای موضوع توسعه منابع انسانی باشد برنامه‌ریزی و کار می‌کنند مانند کشورهای عربی. مثلاً یکی از موضوعاتی که در بحث توسعه مطرح است تعادل جنسیتی است یعنی اگر من بخواهم برای محله‌ام کاری انجام دهم زن و مرد باید با همدیگر در یک طبقه و در یک راستا آموزش ببینند و اقدام کنند. عرب‌ها نیازی ندارند که خانم‌ها را وارد بحث توسعه کنند. پول دارند و می‌گویند مثلاً امسال ۲۵۰ نفر از خانم‌ها حق دارند که گواهی‌نامه بگیرند، سال بعد می‌گویند مثلاً ۳۰۰ نفرشان را شناسنامه‌دار کنید. آنها متمرکز هستند و پول دارند. بزرگترین و مرتفع‌ترین برج دنیا را برای قدرت‌نمایی می‌سازند. کسی هم به آنها ایرادی نمی‌گیرد که چرا به زن‌های خود هویت نمی‌دهید و آنها را تحقیر می‌کنید و شناسنامه به آنها نمی‌دهید، چرا کودک‌آزاری در کشور شما وجود دارد، چرا حقوق مهاجران را رعایت نمی‌کنید، چرا شما حقوق بشر ندارید، شما تا بحال شنیده‌اید سازمان ملل به عربستان بگوید که چرا حقوق بشر را اجرا نمی‌کنید؟ چون پول دارد این مشکل را با پول حل می‌کند. این یک نوع مشارکت است.

۲- دسته دوم دولتی‌هایی متمرکز و مقتدر هستند، پولدار هم نیستند. مانند کشورهای کمونیستی که از یک نگاه ایدئولوژیک به جامعه مسلط می‌شوند مانند چین، به تمام کشاورزان می‌گوید مثلاً امسال سیب‌زمینی می‌کارید و ما از شما می‌خریم اگر به غیر از سیب‌زمینی کشت شد علاوه بر اینکه محصول‌شان خریده نمی‌شود تحریم هم می‌شوند. ولی ببینید چین از نظر مشارکت با همین اقتدارش از نظر توسعه حرف اول را در دنیا می‌زند. به اجبار مردمش را به مشارکت می‌طلبد.

۳- دسته سوم کشورهایایی هستند که در واقع تابع تصمیم‌گیری‌های مردمی هستند. یا می‌گویند ما تابع این هستیم که مردم هم در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. متمرکز هستند، پول هم دارند و گاهی هم مقتدر هستند، هزینه‌های عمرانی انجام فعالیت‌ها را پرداخت می‌کنند. می‌گویند مثلاً من می‌خواهم سیستم آبیاری تحت فشار را در مزارع کشاورزی ایجاد کنم، ۸۰ درصد پول ابزارآلات را من می‌دهم، ۲۰ درصد کشاورز باید مشارکت کند. این سیستم، سیستم ایران است. مثلاً می‌خواهید





نوسازی کنید، ۸۰ درصد بسته تشویقی با من، ۲۰ درصد شما مشارکت کن و خیلی چیزهای دیگر. یعنی در این سیستم برای جلب مشارکت مردم از ابزار تشویقی پول یا دادن ابزارهایی که به مردم کمک کند که کارشان را انجام دهند استفاده می‌کنند. مثلاً در پروژه‌های توسعه‌ای در سکونتگاه غیر رسمی قرار است که خیابانی بهسازی شود، دولت می‌گوید ابزار و زیرسازی را من انجام می‌دهم، صنعت کار و کارگر اگر بین مردم وجود دارد با استفاده از این ابزار خودتان جدول کشی کنید، این می‌شود مشارکت.

۴- دسته چهارم دولتهایی هستند که تمام امورات مربوط به محله را به دست مردم سپرده‌اند مانند کشورهای اسکانداوی. یک ساختار محلی ایجاد می‌کنند و خود مردم به دولت‌ها می‌گویند که ما این ساختار را می‌خواهیم یا نه، اینکار انجام بشود یا نشود. در این کشورها مشارکت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چون بر مبنای مهارت و آگاهی است چون از سطح جامعه بلند می‌شود بنابراین یک مشارکت صددرصد و واقعی اتفاق می‌افتد. دولت هم مجبور می‌شود منابعش را برای موضوع توسعه در اختیار جامعه‌ی محلی قرار دهد، ما امیدوار هستیم که به این سطح حرکت کنیم.

ما در چارچوب مورد سوم در کشورمان کار می‌کنیم. جنس مشارکت متناسب با برنامه‌ریزی‌های دولتی‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است. بنابراین به سمتی می‌رویم که به هدف اصلی برسیم.

لطفاً به گروه‌های خود برگردید و بگویید که «شاخص‌ها یا مؤلفه‌های مشارکت کدامند؟»

گروه داوطلب اول لطفاً بگویید که شاخص‌ها و مؤلفه‌های مشارکت کدامند؟

گروه اول: این شاخص‌ها را به هشت قسمت تقسیم کرده‌ایم:

- ۱- اعتماد بین افراد
- ۲- نقش و جایگاه افراد مشارکت‌کننده
- ۳- موضوع و هدف مشارکت مشخص باشد
- ۴- آگاهی و دانش مشارکت‌کنندگان نسبت به موضوع
- ۵- مدیریت فرآیند مشارکت توسط یک متخصص
- ۶- مشارکت‌کنندگان جنبه‌های اخلاقی در فرآیند مشارکت را رعایت کنند.
- ۷- فرآیند نحوه تصمیم‌گیری نهایی مشخص باشد.
- ۸- مشخص شدن حدود زمانی جهت به نتیجه رسیدن فرآیند مشارکت.

– گروه آقای مهندس قاطعی: ما مؤلفه‌های مشارکت را بصورت یک چارت فرضی در نظر گرفته‌ایم، که اولین مرحله آن تعیین اهداف مشارکت است، مرحله دوم آگاهی بخشی است، مرحله سوم تعیین و تبیین برنامه، راهبرد و سیاست برای این فرآیند مشارکت است، مرحله چهارم تقسیم وظایف و برنامه‌ریزی عملی است، مرحله پنجم پایش برنامه‌هاست، مرحله ششم هم در صورتی که تمام مراحل قبلی انجام شده بود که مشکلی نیست ولی اگر در هر کدام از مراحل مشکلی بروز نماید. دوباره به آن مرحله بازگشت می‌شود تا رفع مشکل صورت بگیرد و مراحل ادامه پیدا کند تا به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم.

– گروه آقای مهندس شهوازی: اصولاً تعداد افرادی که مشارکت می‌کنند نشان‌دهنده میزان مشارکت ما است و میزان تحقق هدف در بازه زمانی مشخص است، یعنی برنامه‌ای که داریم و برایش بازه زمانی تعیین کرده‌ایم که به نتیجه برسیم می‌تواند از شاخص‌های مشارکت باشد، میزان رضایت‌مندی افراد جامعه از فعالیت صورت گرفته یک مؤلفه‌ی بسیار قوی و مهم است و تحقق‌پذیری که در افراد نسبت به آن مکان و محل و جامعه هدف بوجود می‌آید. افزایش اعتباراتی که داریم، اینکه این اعتبارات به واسطه مشارکت بالا رفته است یا نه؟ که اگر بالا رفته نشان‌دهنده بالا رفتن مشارکت بوده است و دیگری





سرمایه‌های اجتماعی و منابع است، یعنی اگر نگهداری امکانات و منابع در شهر بخوبی انجام شود یعنی مشارکت مردم بالا بوده است، یک مورد دیگر هم وجود دارد که اندازه‌گیری آن سخت است ولی می‌شود استفاده شود اینکه در فرآیند مشارکت جایگاه و نقش افرادمان چه بوده است و طبق آن تقسیم‌بندی که شما گفتید چند درصدشان در کدام گروه‌ها قرار می‌گیرند.

– **گروه خانم مهندس رشنویی:** موارد را اکثراً دوستان نام بردند ولی ما یک دسته‌بندی کلی انجام دادیم، از ابتدا اعتمادسازی و روشن بودن اهداف مشارکت جزو مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار است، بعد از آن عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی کالبدی متفاوتی بر مشارکت تأثیر می‌گذارد، عوامل اجتماعی و فرهنگی مثل میزان تحصیلات، دین و مذهب، آداب و رسوم، گروه‌های سنی و جنسی مختلف در موضوع مشارکت شرکت می‌کنند، میزان تعلق خاطرشان، آگاهی‌شان، نحوه مدیریت و مشارکت با محدودیت مشارکت جو و اهداف روشن طرح. عوامل سیاسی مثل نوع بینش سیاسی که افراد شرکت‌کننده دارند بسیار تأثیرگذار است، عوامل اقتصادی هم میزان درآمد و منابع انسانی و مالی که طرح مشارکت را حمایت می‌کند تأثیر زیادی در نتیجه‌گیری دارد ولی بطور مشخص مسئولیت‌پذیری افرادی که در مشارکت شرکت می‌کنند و اعتمادسازی و روشن‌سازی اهداف طرح توسط مشارکت‌جو بیشترین تأثیر را بر این مؤلفه‌ها دارد.

– **خانم دکتر پورشاد:** خیلی ممنون، همانطوری که شما بدرستی اشاره کردید، اعتماد اولین و کلیدی‌ترین مؤلفه یا شاخص مربوط به مشارکت است. اعتماد مانند یک کاغذ سفید و صاف است که هیچ خدشه‌ای به آن وارد نشده است، شما با چنین اعتمادی وارد جامعه‌ای می‌شوید و با مردم مواجه می‌شوید، اگر فرآیندهای مشارکت بدرستی اجرا نشوند این اعتماد خراب می‌شود، بعد شما شروع به اعتمادسازی می‌کنید یعنی کاغذی را که خراب کرده‌اید می‌خواهید دوباره به شکل اول برگردانید، آیا مثل قبل می‌شود؟ حتی اگر هم اتو کشیده شود باز هم خطوط ترک خورده بر روی برگه کاغذ باقی خواهد ماند. برای همین می‌گویند اعتماد و اعتمادسازی خیلی خیلی نقش مهمی در بحث مشارکت بازی می‌کند، پس اولین مؤلفه اعتماد است که همه شما بدرستی به آن اشاره کردید.

تعداد افراد، گروه‌های مختلف سنی و جنسی، طبقه‌های مختلف اجتماعی، شاخص‌های بحث مشارکت هستند. چرا شاخص می‌گذاریم؟ چون می‌خواهیم اندازه‌گیری کنیم. مثلاً می‌خواهیم میزان مشارکت یک محله را بسنجیم، اول به مسئله اعتماد در افراد جامعه توجه می‌کنیم اینکه آیا آنها درباره‌ی پروژه مطلع هستند؟ چقدر به طرح و پروژه احساس تعلق دارند. اینها موارد نرم‌افزاری است و با پرسشنامه سنجیده نمی‌شوند، حتماً باید وارد مداخلات محله‌ای و وارد بحث‌های متمرکز و عمیق شوید تا بتوانید شاخص‌های مشارکت را بسنجید.

آگاهی‌بخشی یا اطلاع‌رسانی جزو شاخص‌هایی است که در بحث مشارکت مورد بحث و ارزیابی قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی، که خود سرمایه اجتماعی به چهار مؤلفه اشاره می‌کند. چهار مؤلفه اساسی که شما بعنوان کارشناسانی که می‌خواهد مشارکت را ارزیابی کند باید به آنها توجه کنید.

یکی در ارتباط و دیگری از بعد ساختار (بحث‌های گروهی و فعالیت‌های گروهی که شکل می‌گیرد از این بعد است)، این بعد به انسجام اجتماعی توجه می‌کند، اگر در محله‌ای وارد شدید ۷-۸ طایفه در آنجا ساکن بودند، سؤال این است که آیا شما با پروژه خود توانسته‌اید بین این طایفه‌ها انسجام ایجاد کنید؟ یعنی سرمایه اجتماعی که در دو بعد ساختار و ارتباط به آن توجه می‌شود، از شما می‌پرسند که آیا گروه تشکیل شده است؟ بله، تشکیل شده است. جنس گروه چیست؟ آیا متوازن هستند یا نه؟ همگن هستند یا نه؟ اگر همگن هستند از بعد انسجام‌شان بررسی می‌شوند، اینکه چقدر نسبت به هم احساس تعلق و همکاری دارند. بنابراین سرمایه اجتماعی به عنوان یکی دیگر از اصلی‌ترین مؤلفه‌های مشارکت در دو بعد ساختاری و ارتباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثلاً موضوع اخلاق به توانایی‌هایی برمی‌گردد که در اطلاع‌رسانی انجام شده است، مثلاً یک ارزیابی





اولیه صورت گرفته است که در آن مثلاً گفته شده افراد شرور در این منطقه زیاد بوده، کسانی که بدقولی کرده‌اند زیاد بوده و ... ولی فعالیت و فرآیند مشارکت، ما را به جایی رسانده که در حال حاضر از همان افراد در بعد اخلاقی در توسعه‌ی محلی بهره اجتماعی برده می‌شود. قبل از اینکه به منطقه‌ای ورود پیدا کنید یک ارزیابی اولیه باید انجام شود تا این موارد قابل اندازه‌گیری باشد. مواقعی وجود دارد که این کارها انجام نمی‌شود ولی یک معتمد محلی به ما می‌گوید که قبلاً اینجا به دلیل ناامنی حتی امکان راه رفتن نبوده است! ولی در حال حاضر ساعت ۱۲ شب مردم بیرون می‌آیند، خرید می‌کنند و ... این بدان معناست که این شاخص از طریق همین موضوعات شفاهی که دریافت می‌شود، ارتقاء پیدا کرده است. تجربه‌ای را کشور ترکیه دارد که اگر فرصتی، پولی یا منابع مالی به مجموعه شما آمد و به شما اجازه داد که از مناطق توسعه یافته در بحث مشارکت یا الگوهای توسعه محلی بازدید کنید حتماً از این کشور و شهر استانبول و آنکارا دیدن کنید. در استانبول و آنکارا در مناطق حاشیه شهری بخصوص در آنکارا محله‌ای بوده است که نزاع‌های خیابانی در آنجا به شدت رواج داشته است، قتل و فحشاء و موضوعات غیر اخلاقی و زد و خوردهایی که منجر به دعوای بین طایفه‌ای می‌شده در آنجا بسیار به چشم می‌خورد، کارشناس شهرداری آنکارا تعریف می‌کرد و می‌گفت ساعت ۴ بعدازظهر کسی نمی‌توانست وارد محله شود، چون حتماً اتفاقی می‌افتاد، ولی در حال حاضر آن محله به مرکز فرهنگی شهر آنکارا تبدیل شده است. اول اینکه یک دانشگاه بسیار معتبر در کشور در این منطقه تأسیس شده که ۳-۴ دانشکده در آن قرار داشت، تمام خانه‌هایی که در آن منطقه قرار داشت براساس ساختار فرهنگی و شهری آن محله نوسازی و بهسازی شد و به مردم امکان تأسیس فروشگاه‌هایی را داد که بتوانند از آنجا کسب درآمد کنند. دانشجو وقتی از دانشگاه بیرون می‌آمد به کافه‌هایی که در آنجا بود مراجعه می‌کرد و تمام کافه‌های آنها پاتوق دانشجویان شده بود، تمام آن خیابان پرخطر تبدیل به کافه‌هایی شده بود که خود ساکنان، آن را مدیریت و کسب درآمد می‌کردند و وقتی کسب درآمد در آنجا وجود داشته باشد بنابراین ساکنین برای امنیت آنجا هم تلاش می‌کردند. این موارد به راحتی قابل سنجش است، احساس رضایت، افراد غریبه که رفت و آمد می‌کنند و ... ، این شاخص‌ها ارتقاء پیدا کرده است.

آموزش جزء مواردی است که در بحث مشارکت مورد بررسی قرار می‌گیرد. مثلاً شما می‌گوئید در بحث کارآفرینی وارد شده‌اید و به صد نفر آموزش داده‌اید، من ارزیاب می‌گویم آیا این صد نفر در آن موضوع آموزشی توانسته‌اند صد اشتغال ایجاد کنند؟ مثلاً گفته می‌شود ۴ شغل ایجاد شده، به نظر شما آیا این آموزش موفق بوده است؟ از نظر ارزیاب موفق نبوده است. ارزیاب می‌گوید اگر صد نفر آموزش داده شود و از این صد نفر بطور منطقی ۳۰ نفر ریزش داشته باشد آموزش شما قابل قبول است، یعنی ۷۰ درصد باید شاغل شوند و کسب درآمد کنند، حتی ۵۰-۵۰ هم می‌گویند قابل قبول است ولی پایین‌تر از آن را گفته می‌شود که این طرح موفق نبوده است چون روشن است که آن آموزش براساس نیاز آن صد نفر تنظیم و برنامه‌ریزی نشده است. اینموارد از جمله موضوعاتی است که مجدداً ارزیابی می‌شود مثل رضایت‌مندی و تقسیم وظایف در بحث ساختاری و سرمایه اجتماعی. اینکه تقسیم وظایف چگونه بوده است آیا همه به هم کمک می‌کنند یا اینکه نه همه فشارها روی یک نفر است که معمولاً در کشور ما این اتفاقات می‌افتد و یک نفر فدای ۳۰-۴۰ نفر می‌شود و آن ۳۰-۴۰ نفر هم همیشه طلبکار هستند. این نشان می‌دهد که در بحث سرمایه اجتماعی کار زیادی صورت نگرفته است. یعنی بحث مشارکت و مفاهیم آن موضوعی است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، این شاخص‌ها باید مدنظر قرار داده شود و متناسب با آن شاخص‌ها برنامه‌ریزی صورت بگیرد. مشکل اصلی فعالیت‌های توسعه‌ای در کشور ما این است که اول عنوان را تعریف می‌کنیم، سپس برای آن پروپوزال می‌نویسیم، بعد هم روش‌شناسی و در نهایت مورد اجرا قرار می‌گیرد.





پایش و ارزیابی سه مرحله دارد در موردی که مطرح شد شاخص‌ها در نظر گرفته نشد، برای عنوان پروژه چه چیزی در جامعه باید ارتقاء داده شود؟ اگر بخواهیم توسعه پایدار محلی انجام دهیم، کدام شاخص‌ها باید ارتقاء پیدا کند؟ در کشور ما فقط بر روی هدف، عنوان، خروجی‌ها، جدول هزینه و جدول زمان‌بندی تمرکز می‌شود، بنابراین آن بدنه کارشناسی که می‌خواهد طرح بدهد باید روی استخوان‌بندی شاخص‌ها طرح بدهد، مثلاً می‌خواهیم سرمایه اجتماعی را در محله زیتون ارتقاء دهیم، این شاخص ما است، عنوان طرح ممکن است تدوین سند توسعه محله زیتون باشد ولی شاخص، بالا بردن سرمایه اجتماعی است، آنچه که معمولاً به پروژه‌ها آسیب می‌رساند پایش و ارزیابی در پایان کار است. یکی از مراحل بحث ارزیابی ما پایش است، پایش یعنی خط‌کشی داریم که این خط‌کش روی شاخص‌ها حرکت می‌کند، این خط‌کش دست کسی است که پایش انجام می‌دهد با تیم اجرایی حرکت می‌کند، تیم را پایش می‌کند تا از مسیری که باید برود منحرف نشود این پایش باید منعطف باشد، یعنی جایی باید کاهش آسیب انجام شود، ولی تا کار اقتصادی انجام نشود آسیب‌ها کاهش پیدا نمی‌کنند، بنابراین پایش باید بگوید که شاخص اقتصاد (درآمد) بالا برود تا آسیب‌ها کاهش پیدا کند. از صفر تا صد یک پروژه باید توسط تیم یا یک فرد متخصص اجرا شود.

یک خود ارزیابی وجود دارد که در سازمان‌های دولتی فکر می‌کنم سال‌ها است که انجام می‌شود، فرم‌هایی وجود دارد که خود ارزیابی می‌کنند. دوم ارزیابی میان دوره، سوم ارزیابی در پایان کار. خود ارزیابی کمک می‌کند که برنامه‌ریزی منعطف باشد یعنی هر جا که اشکالی وجود داشته باشد با کمک هم‌دیگر برطرف شود تا بتوان به اهداف و شاخص‌های مورد نظر رسید. در ارزیابی میان دوره یک ارزیابی کلی از فعالیت‌ها انجام می‌شود و ممکن است که پیشنهاد شود بندی به بندهای پروژه اضافه شود که اثرگذاری را افزایش دهد. در ارزیابی پایان دوره خروجی‌های محقق شده در پروژه را متناسب با شاخص‌ها، فعالیت‌ها و بودجه‌ای که صرف شده، همه را با هم تحلیل و بررسی می‌کنند و سپس از نظر ارزیابی پایانی اعلام می‌کنند که این پروژه موفق بوده است یا نه؟ یا اینکه مثلاً ۶۰ درصد به اهدافش رسیده است. این فرآیند درس آموخته‌ی آن پروژه برای افراد دیگر است که می‌خواهند این کار را انجام دهند، یعنی مسیر را برای افراد دیگر روشن می‌کند.

معمولاً این تجربیات که در کشور انجام می‌شود یا فراموش می‌شود و یا یادمان می‌رود که به آنها نگاه کنیم. بنابراین پروژه‌هایی که اجرا می‌شود، اصولاً اثرگذاری کمی دارد چون بصورت عمیق به بحث‌هایی که باید وارد شود ورود پیدا نمی‌کنند و کار صورت نمی‌گیرد.

در حال حاضر مشارکت را می‌توان به چهار دسته کلی شامل، برای مردم، با مردم، توسط مردم و همراه مردم تقسیم‌بندی نمود:

- در فرآیند مشارکت برای مردم، مردم هیچ چیز نمی‌دانند بنابراین تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرا همه توسط فرد بیرونی انجام می‌شود.
 - در مشارکت با مردم گفته می‌شود که کارشناس می‌داند، برنامه‌ریزی می‌کند و مردم اجرا می‌کنند، مثل کشورهای عربی و ایران.
 - در مشارکت توسط مردم فرض بر این است که مردم می‌دانند و کارشناس هم میدانند بنابراین با هم برنامه‌ریزی می‌کنند. مانند کشورهای اسکاندیناوی.
 - مردم می‌دانند و انجام می‌دهند و برنامه‌ریز می‌گوید من سیاست‌گذاری انجام می‌دهم، مانند بخشی از کشورهای آمریکایی.
- روی این موضوع که گفتیم محله محوری است، گفته می‌شود من می‌دانم، شما هم می‌دانید، بینیم که چه کاری می‌شود با هم انجام داد، در این بخش که خیلی قویتر عمل می‌کند برنامه‌ریز در نقش سیاست‌گذار و حامی بخشی از موضوعات مالی وارد





کار می‌شود. حال شما که در جایگاه برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی هستید برای مباحث توسعه‌ی محلی کدامیک از این چهار مورد را انتخاب می‌کنید؟ و چه روشی را استفاده می‌کنید که یک برنامه‌ی پایدار توسعه‌ی محلی نوشته شود؟ این تمرین بعدی شماست که باید فرآیندهای برنامه‌ریزی توسعه‌ی محله را نام ببرید؟ ۲۰ دقیقه فرصت دارید تا بنویسید. هر پیشنهادی که می‌دهید فرآیند آن را بنویسید.

می‌خواهم یک خود ارزیابی انجام دهم در برگه‌های زرد رنگی که در اختیارتان است یک سمت آن برای من بنویسید که چه بخشی از کارگاه امروز خوب بود؟ و در سمت دیگر آن بنویسید که چه چیزی می‌توانست بهتر باشد؟ خیلی ممنون می‌شوم که اگر انتقاد، نقطه ضعف و یا پیشنهادی دارید به من انتقال دهید، خوشحال می‌شوم که در روش کار و فرآیندهای کاری‌ام اصلاح انجام دهم.

گروه اول: گروه سوم انتخاب شد و فرآیندهای تدوین توسعه محله شامل:

۱- آگاهی و معرفی موضوع طرح برای عموم ساکنین محله

۲- تشویق کردن مردم جهت مشارکت در طرح

۳- تشکیل کارگروه‌های تخصصی با موضوعات مرتبط شامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... که می‌تواند، با حضور ساکنین علاقمند به موضوع و متخصصین باشد،

۴- تشخیص نیازهای محله در موضوعات مختلف و اولویت‌بندی آنها

۵- برنامه‌ریزی برای پاسخ به نیازها

۶- اجرای برنامه توسط دولت و مردم

– **خانم دکتر پورشاد:** چرا این گزینه را انتخاب کردید؟

– **آقای مهندس کلاه‌چی:** علت اینکه مدل سوم را انتخاب کردیم این بود که از این چهار نوع مدل برنامه‌ریزی به نظرم متناسب‌تر و کامل‌تر است.

گروه دوم: (خانم مهندس رشنوئی) با اجماع نظر مدل چهارم، همراه مردم را انتخاب کردیم به دلیل اینکه برای مردم، با مردم و توسط مردم بستگی به سطح دانش اجتماعی و سطح تحصیلات و درآمدها دارد و در جوامع جهان سوم هم محکوم به شکست است چون اختلاف طبقاتی اجتماعی بسیار زیاد است. شناخت وضع موجود اولین آیتم این فرآیند است که تمام موارد تأثیرگذار بر شاخص را شامل می‌شود، هویت‌ها، ریشه‌ها، اجتماع، اقتصاد و تمام آنچه که تأثیرگذار در زندگی مردم آن محله است را شامل می‌شود. با استفاده از مطالعات پایه و مطالعات میدانی و بررسی طرح‌های فرادست و فرودست که توسط مجری اصلی و برنامه‌ریز باید انجام شود و اگر این شناخت شناخت کامل و درستی نباشد این کار محکوم به شکست است و دوباره باید به ابتدا برگردیم. برنامه دوم که توسط برنامه‌ریز انجام خواهد شد با کمک جامعه‌ای از مردمی که قرار است با ما همکاری کنند و میزان تحصیلات آنها به این قضیه کمک می‌کند، تجزیه و تحلیل مطالعات است، به دست آوردن نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌هایی که در آن محله وجود دارد و بعد از آن به سراغ پیشنهادات، نتیجه‌گیری و تعریف چشم‌انداز می‌رویم، که این پیشنهادات و تعریف چشم‌انداز مشارکت را می‌طلبد یعنی هم برنامه‌ریز و هم مردمی که قرار است از این برنامه استفاده کنند. سپس به مرحله چهارم می‌رسیم که برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد که شامل هم بودجه‌ریزی است و هم زمان‌بندی مناسب برای دستیابی به اهداف است. این برنامه‌ریزی و زمان‌بندی بهتر است توسط برنامه‌ریز انجام شود و بعد از آن اگر گروهی که قرار است مردمی باشند که همکاری می‌کنند اگر افرادی باشند که بتوانند تأثیرگذار مثبت باشند چه بهتر که از آنها استفاده شود، چرا که جزو جامعه‌ی محلی هستند. پنجم تدوین برنامه‌های عمومی با هدف ارتقای آگاهی‌های عمومی، بحث معرفی





آموزش در کارهای مشارکتی با مردم بسیار مهم است، به همین دلیل در اکثر جوامع جهان سوم این طرح‌ها شکست می‌خورند. چون معمولاً می‌گذارند طرح تمام شود و بعد نمود داشته باشد، اگر در هر پله و در هر مسیر معرفی شود و مردم آگاه شوند و روشنی و ایمان به آنها ببخشیم بیشتر کمک می‌کنند و میزان مشارکت در مراحل بعدی بیشتر خواهد بود، در نهایت اجرا و پایش همزمان اقدامات اجرایی از ابتدای شروع اقدامات اجرایی از مهمترین اقداماتی است که باید بیفتد که در صورت نیاز اگر احتیاج به بازگشت و اصلاح ایرادات احتمالی بود، این کار به موفق‌تر شدن طرح کمک می‌کند.

– خانم دکتر پورشاد: چون وقت کم است، همین جا نظر خود را اعلام می‌کنم، این روشی که شما گفتید مرحله دوم است، همین کاری است که در حال حاضر دارد صورت می‌گیرد یعنی در واقع می‌دانیم که مطالعات پایه توسط برنامه‌ریز باید انجام شود، تجزیه و تحلیل را برنامه‌ریز انجام دهد، برنامه‌ریز تا جایی پیش می‌رود که به برنامه‌ای برسد که به کمک مردم نیاز دارد، وارد محله می‌شود و اطلاع‌رسانی می‌کند، گروه‌های هدف را شناسایی می‌کند، می‌گوید من میدانم مسئله شما چیست چون قبلاً مطالعات پایه انجام داده‌ام، SWOT را تنظیم کرده‌ام، چشم‌انداز تهیه کرده‌ام حال می‌خواهم که بیابید و کمک کنید که این طرح در محله اجرا شود، منابع و پول را هم تهیه می‌کنم، گروه درست کن و اجرا کن. این حرکت مهم است که در حال حاضر ما آن را انجام می‌دهیم، اما در مرحله سوم گفتیم صفر تا صد یعنی بررسی وضع موجود با مردم، چطور؟ از طریق تکنیک‌های ارزیابی مشارکتی، اینها مهارت است که همه ما هم آن را نداریم و باید کسب شود و در دوره‌های آموزشی مختلف شرکت کنیم، یاد بگیریم، آموزش در عمل هم انجام بدهیم و بعد وارد برنامه‌ریزی مرحله سوم شویم. فاصله‌ی زیادی وجود دارد تا مردم ما به مرحله چهارم برسند، در مرحله چهارم مردم می‌گویند که من می‌دانم و می‌دانم.

حالا سؤال اینست که فرق مرحله سوم و چهارم چیست؟

اولاً اینکه این طبقه‌بندی متناسب با رشد آگاهی و مهارت‌های مردم تغییر پیدا می‌کند، ایران در حال حاضر کم‌کم از مرحله با مردم وارد مرحله سوم یعنی توسط مردم می‌شود. در مرحله با مردم من می‌گویم که شما مثلاً مشکل آب دارید، راه‌حلش هم این است باید استخر ایجاد شود، آب‌های باران، برف و ... در این استخر ذخیره شود و بعد برای زمین‌های کشاورزی لوله‌کشی شود. در ضمن من می‌دانم که منطقه‌ی من خشک و بیابانی است باید محصولی کاشته شود که کم‌آب خواه باشد، این موارد را من برنامه‌ریز می‌گویم، اجرای آن با مردم است، من نیاز دارم که تمام دانشم را بعنوان دانای کل در اختیار مردم قرار دهم و به مشارکت بگیرم برای اینکه اجرای این طرح به سود مردم است، ما در حال حاضر در مرحله‌ی با مردم هستیم. فرق آن با مرحله‌ی سوم و چهارم این است، در مرحله چهارم می‌گویم که مثلاً بحران آب وجود دارد و گیاهانی مانند گندم، جو و ذرت نباید کاشته شود چون مصرف آب آنها بالا است، من مطالعه کرده‌ام و با مرکز تحقیقات ارتباط دارم و بعنوان کشاورز مطلع می‌دانم اگر گیاه دارویی که آب نمی‌خواهد و فقط اقلیم مرا می‌پذیرد را بجای گندم، جو و ذرت بکارم هم آب حفظ می‌شود و هم درآمد افزایش پیدا می‌کند، اما برای اینکه این تغییر ایجاد شود ۱- مقداری منابع مالی کلان نیاز است، چون سطح زیر کشت خیلی زیاد است. ۲- یک مشکل قانونی وجود دارد، به سراغ برنامه‌ریز می‌رویم، برنامه‌ریز با مردم از صفر تا صد طرح را می‌نویسند، یک بسته بوجود می‌آید که در این بسته برنامه‌ریز توانایی تبدیل به یک قانون اجرایی را دارد، به بخش دولتی می‌برد، دفاع می‌کند، مصوب می‌کند، بودجه را تأمین می‌کند، به مردم می‌دهد تا مردم اجرا کنند، در مرحله چهارم مردم تصمیم می‌گیرند که خودشان اجرا کنند یا پیمانکار بگیرند، یا بخش دولت کار انجام دهد و به آنها کمک کند یا از دانش فنی بخش خصوصی استفاده کند، بخش خصوصی ما در ایران توانایی مدیریت و دانش لازم را ندارد، فقط به دنبال گرفتن پروژه، کپی کردن و تمام کردن آن است تا پولش را بگیرد، بخش خصوصی ما به عنوان فکر و خوراک برنامه‌های تقویت نشده است تا به بدنه‌ی دولتی تزریق شود، همیشه مقابل دولت بوده است، نقد کرده، اجرا کرده، پایش و ارزیابی را سعی کرده خوب نشان





دهد، ولی در عمل اثرگذاری کارش را کسی بررسی نکرده است، بخش خصوصی در مرحله چهارم قوی است و بازوی کمکی مردم است. NGOها در بخش‌های خصوصی خیلی خوب می‌توانند کار کنند.

– **آقای مهندس شهوازی:** نظر ما این است که جامعه ما یک جامعه متوازن از نظر فرهنگی، اقتصادی و بخصوص فرهنگی نیست، بنابراین یک نسخه یکسانی واحد برای کل کشور نمی‌توان ارائه داد، مرحله سوم مرحله‌ی خیلی خوبی است که ما وارد شویم، اما براساس مناطق مختلف باید یکی از چهار مورد گفته شده را انتخاب کرد و برای همه‌ی موارد نباید نسخه یکسانی را پیچید چراکه زمان‌بر است و به نتیجه نخواهیم رسید. اما با اجماع گروه، مشارکت نوع سوم انتخاب شد و براساس آن:

- ۱- استقرار در محل، برقراری ارتباط و نیازسنجی
- ۲- استخراج یا دریافت برنامه‌های سازمان‌های متولی و دولتی
- ۳- نقاط مشترک دو مرحله‌ای که عنوان شد را پیدا می‌کنیم
- ۴- نقاط غیرمشترک ارزیابی و در نهایت هدایت شود به سمت نقاط مشترک
- ۵- تهیه برنامه توسعه از راه تلفیق این دو دسته یعنی نیازها و برنامه‌هایی که وجود دارد با توجه به منابع و امکانات
- ۶- برنامه زمان‌بندی و اولویت‌بندی آن (یعنی ابتدا کارهای زیرساختی و سپس برنامه‌های جزئی‌تر انجام شود).
- ۷- تشکیل کارگروه‌های مشترکی برای اینکه مشارکت صددرصد محقق شود بین مردم و نهادهای متولی تشکیل شود.
- ۸- در پایان اجرا و پایش مستمر اقدامات و برنامه

– **خانم دکتر پورشاد:** خیلی ممنون، اگر بخش اطلاع‌رسانی نقطه صفر کار باشد در واقع می‌توان گفت که برنامه این است که شکاف بین بخش‌ها هم پوشش داده می‌شود، نیازهای مردم و برنامه‌های دولتی هم پیدا می‌شود، این موارد تلفیق می‌شود و در نهایت به یک برنامه می‌رسید که سیستم برنده را اجرا می‌کند، یعنی بخش دولتی رضایت دارد از اینکه برنامه‌اش اجرا می‌شود و بخش مردمی هم رضایت دارد برای اینکه احساس می‌کند اولویت خودش اجرا می‌شود. این در واقع نوع سیستم نگاه برنامه‌ریزی از نوع سوم است که می‌گوید می‌دانم، می‌داند بنابراین صفر تا صد را با هم برنامه‌ریزی می‌کنند. یکی برنامه‌هایش را می‌آورد و دیگری نیازهایش را با هم برنامه را همگن و کار را پیش می‌برند.

گروه آخر: گروه ما ابتدا در انتخاب بین با مردم و توسط مردم مردد بود ولی در شکل ایده‌آل به این نتیجه رسیدیم که با مردم صحیح‌تر است. و بصورت کلی به این نتیجه رسیدیم که در نهایت باید به مرحله توسط مردم در بلند مدت رسید مانند کشورهای توسعه یافته در این راستا فرآیند انجام کار به شرح ذیل تدوین گردیده است.

❖ شناسایی و مطالعه محله شامل شناسایی نقاط قوت و ضعف محله که صددرصد با مشارکت خود مردم که آگاهی بیشتری دارند صورت می‌گیرد.

❖ برنامه‌ریزی و ارائه، که با تحلیل اطلاعات بدست آمده و با مشارکت مردم باید برنامه‌ریزی صورت بگیرد.

❖ ظرفیت‌شناسی و مشارکت در اجرای برنامه با حضور مردم یعنی اینکه چه کسی چه کاری از دستش برمی‌آید.

❖ اجرای برنامه‌ها

❖ میزان موفقیت برنامه برای کسب تجربه توسط گروه مردم

– **خانم دکتر پورشاد:** گروه آخر کار تلفیقی انجام داده است و ایرادی ندارد، همانطور که شما بهتر می‌دانید جامعه اجتماع محلی ما در ایران آسیب خورده است، آسیب‌هایش هم بسته به مناطقی که می‌خواهید مداخله کنید متفاوت است بعنوان مثال در بخش غربی ایران سرمایه اجتماعی بسیار پایینی وجود دارد، بواسطه حمله منافقین، مجاهدین، جنگ پایان یافته بود آنجا هنوز ملت‌هتبه جنگ بود و مردم مدام در حال فرار بودند، آنقدر فضای ناامنی در بین مردم زیاد بود که همسایه به همسایه





اعتماد نمی‌کرد، یک سیر تاریخی آسیب جریانات مربوط به جنگ به غرب ایران وارد شد، ممکن است شما همین آسیب را در آبادان یا اهواز هم ببینید ولی شدتشان ممکن است کم باشد، سرمایه اجتماعی در غرب خیلی پایین است آنقدر که مردم به سختی به شما اعتماد می‌کنند و مدام هم موضوعات مختلف را شنیده‌اند، خودشان تحلیل می‌کنند بعد تصمیم می‌گیرند که با شما کار کنند یا نه! در آن جا کار کردن ممکن است از تجمیع ۳ مورد از موارد گفته شده باشد، بسته به جنس مردم شما می‌توانید این موارد را با هم تلفیق کنید، در مرحله اول و دوم برنامه‌ریزی خیلی نیاز به دانستن تکنیک‌های ارتباط با مردم ندارد ولی برای اجرای مرحله‌ی سوم حتماً باید مهارت ارتباط با مردم و بسیج اجتماعی را داشته باشید و آن را کسب کنید.

شما می‌گوئید شناسایی اولویت‌های مردم با کمک مردم، این یک تکنیک است، هر کدام از عناوین فوق یک روش است، یک روش ارزیابی مشارکتی که باید آن را بدانید، چگونه صد نفر جلوی شما نشسته‌اند، نیازها و اولویت‌های آنها را شناسایی کنید و سپس راه‌حل‌های آنها را هم ارائه دهید؟ این یک تکنیک است، باید از طریق ماتریس زوجی بلد باشید مردم را به مشارکت بگیرید، موارد را تحلیل کنید و در نهایت البته خود مردم می‌گویند این همان چیزی است که ما می‌خواهیم به آن برسیم و البته روش دارد.

هر کدام از عوامل فوق یک تکنیک دارد و تسهیل‌گر باید این تکنیک‌ها را بداند. بنابراین اگر در فرآیند برنامه‌ریزی این موارد ذکر می‌شود، وقتی نوع سوم انتخاب می‌شود یعنی باید به دنبال فردی بود که کار تسهیل‌گری می‌داند، لزوماً کسی که تسهیل‌گر است رشته دانشگاهی اش علوم اجتماعی نیست، مددکار اجتماعی نیست، کسی است که اول روابط عمومی خوبی داشته باشد، دوما صبر و حوصله داشته باشد و سوم گوش شنوا داشته باشد یعنی یکسری شاخص‌های فردی باید درونش وجود داشته باشد.

یک تسهیل‌گر خوب یک مهارت دارد که ۳ مهارت محسوب می‌شود، خوب گوش می‌دهد، خوب گوش می‌دهد، خوب گوش می‌دهد. یعنی بسیار مهم است که یک تسهیل‌گر خوب گوش شنوا داشته باشد برای موضوعاتی که از طرف مردم برای تسهیل‌گر مطرح می‌شود.

– **آقای مهندس کاظمی:** ببخشید در جامعه ما که یک جامعه در حال پیشرفت به حساب می‌آید می‌شود از مرحله‌ی اول و دوم به مرحله‌ی چهارم رسید؟

– **خانم دکتر پورشاد:** اصلاً دور نیست، من از یک پروژه‌ی فرآوری محصولات گوشتی در کشور سوئیس بازدید کردم، کشاورز، واحدی را در خود روستا ایجاد کرده است که بالای ۴۵ متخصص فارغ‌التحصیل از شهر به آنجا برای کار می‌آیند. چگونه این کار را انجام داده است؟ او یاد گرفته است که چگونه واکسن بزند، چگونه بیماری‌ها را کنترل کند، چگونه ذبح کند، چگونه به صورت بهداشتی به صنایع مربوطه انتقال دهد، مانند یک کارشناس متخصص دامداری بر همه‌ی این موارد فنی مسلط است. در بحث کشاورزی هم همین گونه است کشاورزان سیستم هشدار دارند. مثلاً میدانند فردا تگرگ می‌آید، آنها می‌دانند که چگونه باغ و زمین‌شان را مدیریت کنند.

– **آقای مهندس کاظمی:** ما نمی‌توانیم خودمان را با آنها مقایسه کنیم نه از نظر توان مالی، نه از نظر دانش فنی.

– **خانم دکتر پورشاد:** رفتن به سمت توسعه‌ی واقعی دور از ذهن نیست و باید به سمت آن حرکت کرد.

– **آقای مهندس کاظمی:** مثلاً یک باغدار ما اگر خاک، آب و عوامل جوی را خوب بشناسد و دانش فنی داشته باشد می‌تواند موفق شود. ما افراد تحصیل‌کرده زیاد داریم ولی هیچ‌گونه امکاناتی در اختیارشان نیست، فارغ‌التحصیل کشاورزی و دامداری زیاد داریم، ولی در خیلی از موارد محتاج و وابسته هستیم.





– خانم دکتر پورشاد: این وابستگی‌هایی که شما می‌گوئید باید باشد که ما به دانش نوین وصل شویم. آنها زودتر از ما به این مراحل رسیده‌اند، یعنی نفی یک جریان به ضرر ما تمام می‌شود، در بحث تکنولوژی خدمت شما عرض می‌کنم، کشاورزی ما دو کار انجام می‌دهد، یکی مدرسه در مزرعه و دیگری خانه‌های ترویج کشاورزی. این دو، هدفشان این است که دامدار و کشاورز متخصص تحویل جامعه دهند اما دامدار و کشاورز وابسته تربیت می‌کنند، یعنی مستقل نمی‌شوند.

در ترکیه یک سیستم مرکزی وجود دارد که این سیستم به استان‌های آن وصل است و استانهای آن به شهرهای آن و هر شهری هم به بخشهای آن و هر بخش هم به روستاهای آن متصل است. در هر روستایی یک خانه ترویج کشاورزی ایجاد می‌شود یک کارشناس کشاورزی فارغ‌التحصیل در آن قرار می‌دهد، او موظف به جمع‌آوری اطلاعات پایه با کمک مردم است، او مجهز به ابزار مانند کامپیوتر، اینترنت و ... است. اطلاعات را کسب می‌کند و به بخش می‌فرستد، بخش اطلاعات تکمیلی را اضافه می‌کند به شهرستان می‌فرستد، شهرستان به استان و به بخش مرکزی ارسال می‌کند. با یک تیم به وزارت جهاد کشاورزی ترکیه رفتیم، معاون وزیر گفت شما یک عدد بگوئید: مثلاً یکی گفت ۱۱۰۰، ۱۱۰۰ را وارد سیستم کرد، ۱۱۰۰ نام کشاورزی بود در شرق ترکیه که وارد جنگلکاری اقتصادی شده بود و اطلاعات مربوط به آن شامل: بعد خانواده‌اش، درآمدش، جنس خاک کشاورزی‌اش، سال گذشته چه کاشته است؟، چقدر به GDP کشورش کمک کرده است؟، چقدر ارز آوری داشته است؟، آیا خانواده‌اش بیمار خاص دارد؟، نحوه رسیدگی به آن چگونه بوده است؟ و ...، از آمار و اطلاعات می‌توان برنامه‌ریزی کرد. کشور ترکیه می‌گوید که آقای شماره ۱۰۰۳ جنس خاک شما این است و شما نمی‌توانید سیب‌زمینی بکارید، شما باید مثلاً درخت فندق بکارید. سیستم آنها به سیستم آب و هوای جهانی متصل است و به آنها آلام می‌دهد که مثلاً امسال خشکسالی وجود دارد، اگر کشاورز براساس برنامه‌ریزی وزارت جهاد کشاورزی کار کند، تضمین خرید محصولات را دارند. و خیال کشاورز راحت است که چیزی که تولید می‌کند خریده می‌شود، ولی در کشور ما کشاورز در بازار می‌بیند مثلاً پیاز کیلویی پنج هزار تومان است با خود می‌گوید من چرا سیب‌زمینی کاشته‌ام؟! خودش تصمیم می‌گیرد که سال آینده همه با هم پیاز بکارند. همین سیستم در موارد دیگر هم وجود دارد. یک نکته را بگویم که سه هزار هکتار یکپارچگی اراضی در ترکیه اتفاق افتاده بود و تمام اراضی هم که باقی مانده بود کاداس، یعنی اطلاعات پایه که وارد یک سیستم میشود تهیه شده بود.

یک بازی در پایان کار می‌خواهیم انجام دهیم، کاغذ سفیدهایی که در اختیارتان است را لطفاً در دستتان بگیرید، چشم‌هایتان را ببندید، کاغذ را در دستتان بگیرید و به پیامی که به شما می‌دهم گوش دهید و انجام دهید، کاغذی که در دستتان است یک تا بزنید، گوشه‌ی سمت راست از بالا را یک شکاف بدهید و جدا کنید، یک تا بزنید، نود درجه در جهت عقربه‌های ساعت بچرخانید، گوشه‌ی سمت چپ از پایین را یک تکه جدا کنید، صد و هشتاد درجه در جهت خلاف عقربه‌های ساعت بچرخانید، گوشه‌ی سمت چپ از بالا را یک تکه از آن جدا کنید، دوباره یک تا بزنید، یک تکه از گوشه‌ی سمت راست از بالا را جدا کنید، حالا چشمتان را باز کنید، کدام نمونه‌ها شبیه هم است؟

این بازی دو درس دارد:

- ۱- درک دریافت‌کننده از پیامی که برایش می‌فرستند متفاوت است یعنی همه‌ی ما یک پیام دریافت کردیم با بیست برداشت مختلف! نتیجه اینکه در مورد مطالبی که می‌گیریم قضاوت نکنیم هر کسی برداشت خودش را دارد.
- ۲- وقتی برداشت‌ها متفاوت است، تحلیل هم متفاوت می‌شود، ما می‌توانیم برنامه‌ریزی‌های متفاوت انجام دهیم. بنابراین برای اینکه بتوانیم برنامه‌ریزی را به هم نزدیک کنیم نیازمند ظرفیت‌سازی هستیم، از درون خودمان شروع کنیم به ارتقاء دانش. اگر خواهان تغییر هستیم باید از خودمان شروع کنیم (تصویر شماره ۲-۹).





خسته نباشید، خیلی ممنون هستم از اینکه مشارکت کردید.



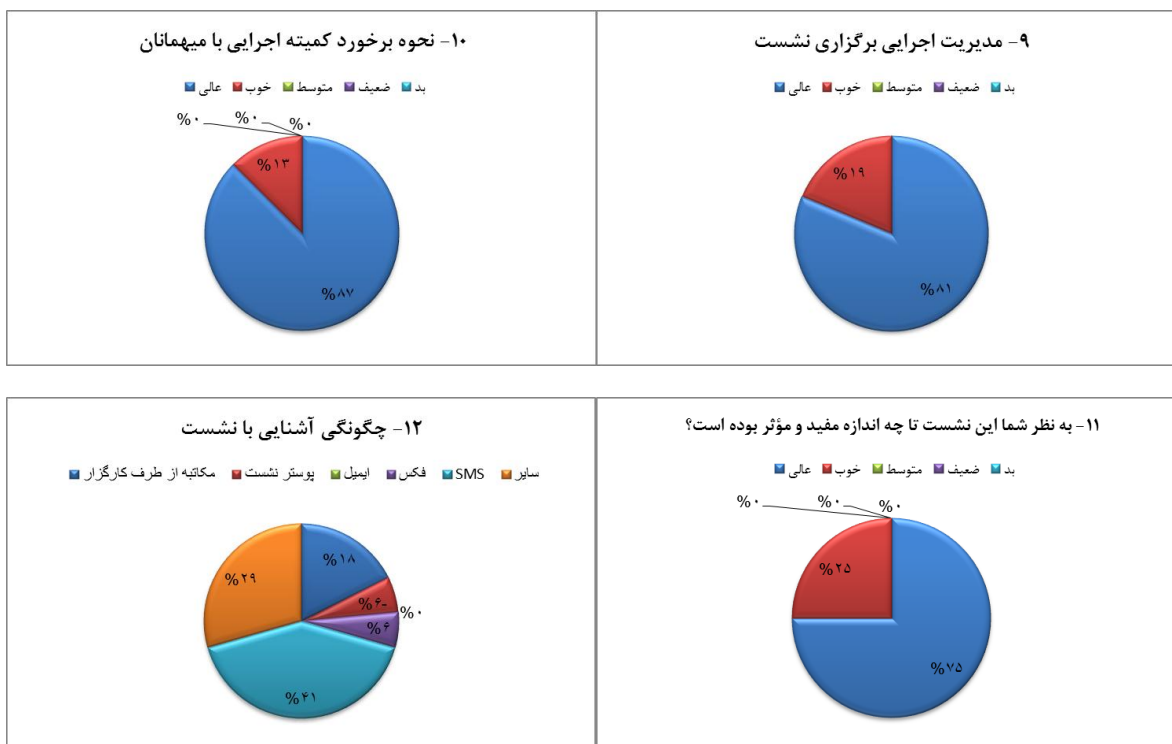
تصویر شماره ۲-۹- تصویر مفهومی از فرآیند مشارکت و ظرفیت‌سازی





۲-۲۴- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی





نمودار شماره ۲-۵- ارزیابی فرم‌های نظرسنجی

۲-۲۵- نظرات شرکت‌کنندگان در همایش

۱۳- پیشنهادات و انتقادات خود را جهت هر چه بهتر برگزار شدن برنامه‌های آتی بیان فرمائید.
۱- عالی بود امیدوارم این نشست‌ها پایدار باشد برای آشنایی و کسب اطلاعات بیشتر
۲- برگزاری مراسم در رأس ساعت مشخص شده.
۳- برای ستادهای توانمندسازی نیز برگزار گردد.
۴- زمان‌بندی و حضور اعضاء شرکت‌کننده در زمان مقرر و بهترین استفاده از ساعت آموزش.
۱۴- نظر خود را در مورد استمرار نشست‌ها اعلام فرمائید.
۱- بسیار مثبت و لازم
۲- بسیار عالی و کاربردی هستند.
۳- از اینکه لطف می‌کنید و این جلسات برگزار می‌شوند، سپاسگذارم.
۴- استمرار اینگونه جلسات در بحث‌های مختلف می‌تواند مثمر ثمر باشد و در کل مثبت بوده.
۵- بسیار خوب می‌باشد.
۶- موافقم.
۷- استمرار نشست‌ها منجر به بالا رفتن سطح دانش کارشناسان می‌شود.
۸- اینگونه نشست‌ها پویایی و بالا بردن سطح آگاهی افراد را بهبود می‌بخشد. موجب نشاط و همکاری بیشتر کارکنان دولت می‌شود و استمرارش عالیست.
۹- امیدوارم این نشست‌ها استمرار داشته باشد، زیرا مطالب بسیار مفید و ارزشمند می‌باشد.





۲-۲۶- تصاویر همایش



تصویر شماره ۲-۱۰- تصاویر همایش (۱)





تصویر شماره ۲-۱۱- تصاویر همایش (۲)





تصویر شماره ۲-۱۲- تصاویر همایش (۳)





تصویر شماره ۲-۱۳ - تصاویر همایش (۴)





تصویر شماره ۲-۱۴ - تصاویر همایش (۵)





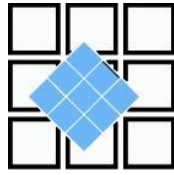
تصویر شماره ۲-۱۵- تصاویر همایش (۶)





تصویر شماره ۲-۱۶- تصاویر همایش (۷)





Urban Development
And
Revitalization Organization working group

The report of Ahvaz Workshop with a focus on presentation and explanation the role of capacity building in the urban regeneration process



Shahr Andish Amayesh
Consulting Engineers

Spring 2017